



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۲۶۷

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

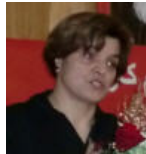
Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۵ اوت ۲۰۱۲ - ۲۵ مرداد ۱۳۹۱

علیه فقر و فلاکت

با هیئت داور حزب، بخش اول:

علی جوادی، آذر ماجدی، جلیل بهروزی، نسرین رضاعلی، سیاوش دانشور



یادداشت سر دبیر،

سیاوش دانشور

شبح جنگ در منطقه

سوریه در کانون سیاست جهانی قرار گرفته است. همه شواهد حاکی از آنست که آخرین اقدامات برای تکرار سناریوی لیبی در این کشور قدم قدم طی میشود. سوریه بحث اساسی کنفرانس "کشورهای اسلامی" در عربستان است. آینده و نفس موجودیت حزب الله لبنان نیز به همین موضوع گره خورده است. تهدیدات جنگی دولت اسرائیل هر روز تشدید میشود طوری که جنبش ضد جنگ بدوا در خود اسرائیل اقداماتش را شروع کرده است. آمریکا هشدارهایش را به جمهوری اسلامی برای کنار کشیدن از مسئله سوریه تندتر کرده است. زبان سیاست اینروزها و موضوع رفت و آمدهای دیپلماتیک در منطقه و جهان مسئله جنگ است. اگر اختلافی هست برسر چگونگی آنست. اپوزیسیون راست ایران در حمایت از این روند لحظه شماری میکند. عده ای خود را آماده میکنند که روز سقوط بشار اسد را با "آمدن به خیابانها در تهران و شهرهای ایران" جشن بگیرند. جشنی و فراخوانی برای ادامه این روند و آغاز جنگ و حمله به ایران.

بشار اسد رفتنی است. تلاش زیادی برای تغییر بنیادی تناسب قوا در خاورمیانه آغاز شده است و سوریه اولین سنگری است که باید فتح شود. معضل اینست که سقوط اسد در سوریه امکان جنگی وسیع در منطقه را به همراه دارد و ظاهرا همه خود را برای این جنگ آماده میکنند. هیچ چیز شیرین تر از سقوط دیکتاتورها و حکومتهای ارتجاعی نیست اما آنچه در افق است تکرار سناریوهای خونین تری است. در سوریه کار از کار گذشته است. مردم ایران باید با تحرک انقلابی مانع شوند که این سونامی جنگ و کشتار به ایران برسد. *

زلزله در آذربایجان، چه کسی مسئول است؟

روز قدس در تورنتو میدان جنگ تروریستهای اسلامی و دولتی است،

علیه هر دو و در دفاع از آزادی مردم فلسطین بمیدان بیایم!

پیش به سوی سازماندهی انقلاب کارگری

صفحه ۱۱

کامران پایدار



رویکردی مارکسیستی به بلایای طبیعی!

صفحه ۱۳

حسن معارفی پور

انتقاد همه جانبه یا پوپولیسم منسجم؟

در حاشیه مواضع حمید تقوایی

صفحه ۱۷

سیاوش دانشور

کمپین علیه طرح فاشیستی پاکسازی یونان از پناهجویان

در صفحات دیگر: کارگران نوب آهن اصفهان، کارگران شرکت، اما، زنده باد شوراها، و ...

لیست کاندیداهای

انتخابات سراسری کنگره دوم حزب



علیه فقر و فلاکت

با هیئت دائر حزب

بخش اول:

یک دنیای بهتر: فقر و فلاکت بیداد میکند. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به یک جامعه فقر زده تبدیل شده است. تصویر حزب از این پدیده چیست؟ چرا فقر وجود دارد و پایه مادی آن کدامست؟

علی جوادی: مسبب اصلی فقر و فلاکت نه تنها در جامعه ایران بلکه در چهارگوشه جهان نظام سرمایه داری است. علت پایه ای بقای فقر و محرومیت و بی خانمانی و بی مسکنی و ناامنی اقتصادی در دوران کنونی مقتضیات و ملزومات نظام سرمایه داری است. بعلاوه این نظام سرمایه داری است که تلاش هر روزه کارگر و توده مردم زحمتکش برای بهبود اوضاع اقتصادی و رفاهی را دائما سرکوب میکند. اگر در قرن بیست و یکم و به اصطلاح در اوج جهانی شدن سرمایه داری، در شرایطی که بشریت بزرگترین تحولات تکنولوژیک و انفورماتیک را از سر گذرانده است، در شرایطی که اینترنت جهان را به دهکده ای تبدیل کرده است، فقر و محرومیت کماکان سهم بخش بزرگی از توده های کارکن جهان است، باید یقه نظام اقتصادی و طبقه حاکم سرمایه داری را گرفت.

در این نظام هدف فعالیت اقتصادی نه رفع نیازمندیهای گسترده و متنوع جامعه بلکه تولید برای صاحبان انحصاری وسایل تولید و توزیع و خدمات در جامعه است. اگر سودی در کار نباشد، تولیدی هم میتواند در کار نباشد. سود خدای یکتای این نظام استثمارگر است. میزان تولید بر مبنای نیاز جامعه نیست. میزان

حال به این شرایط دزدی و چپاول سیری ناپذیری آخوندهای آدمکش و جیره خواران رژیم اسلامی را اضافه کنید. به این شرایط عدم پرداخت چندین ماهه همان حقوق بخور و نمیر کارگران را اضافه کنید. به این شرایط مخابراتی رژیم صرف بقاء و ماندگاری خودش و دستجات اوباش و آدمکشش میکند، اضافه کنید. سهم توده مردم از جامعه چیزی بیش از فقر و فلاکت و بعضا گرسنگی نخواهد بود.

ببینید کار به جایی رسیده است که خود عوامل رژیم از اینهمه دزدی و چپاول فغانشان بلند شده است.

خزعلی که یکی از نور چشمی های رژیم است در سایت خود میگوید:

"ایران سالانه ۲۱۷ میلیارد دلار از فروش نفت و گاز پول می گیرد (معادن، پتروشیمی، مالیات و ... رو حساب نکردیم) ۲۱۷ میلیارد دلار = ۲۳۸۷۰۰ میلیارد تومان ... یعنی روزانه حدودا ۶۵۰ میلیارد تومان (دلار به قیمت ۱۱۰۰ تومان) یعنی با درآمد یک روز نفت و گاز کشور می توان بدون وام و منت، کل مسکن مهر ۳۱۰۰۰ واحد ۷۵ متری را از ابتدا با قیمت هر متر مربع ۳۰۰۰۰۰ تومان ساخت و تمام کرد و به رایگان به مردم داد! یعنی با در آمد پنج روز (صبح شنبه تا پایان چهارشنبه) می توان یارانه نقدی کل کسانی که ثبت نام کرده اند، یعنی ۷۲ میلیون و پانصد هزار نفر را واریز کرد. یعنی اینکه با درآمد یک روز و نیم کشور می توان ورزشگاهی ساخت که لیاقت برگزاری المپیک لندن را داشته باشد. یعنی با در آمد یک هفته مملکت می توان ۱۰۴ هواپیمای ایرباس ۳۲۰۱ نو خرید. یا درآمد بیست روز کشور می توان ۷۴۳۱۵۰ تویوتا کرولا ۲۰۱۱ خرید و هرچی ماشین داغونه از سطح کشور جمع کرد و سرانه مصرف بنزین رو به ۶-۵ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر رسوند. پس با حدود یکماه درآمد نفت و گاز میتوان

نصف مشکلات سی ساله مملکت رو حل کرد، ببین با ۱۲ ماه چه کارهایی میشه کرد! اگر قرار باشه این پول را بین مردم تقسیم کنند به عبارتی نفری ۲۸۹۳ دلار. اگر بر فرض مثال ۲۰۰۰ هزار دلار آن را هم مالیات و خرج دولت حساب کنیم باز سهم هر نفر تقریبا ۹۰۰ دلار یعنی ۱ میلیون تومان! (دلار ۱۱۰۰ تومان!) به عبارتی دیگر نفری ۱۵۰ هزار تومان در ماه." (به نقل از سایت خزعلی)

به این تصویر ارقام دزدی شده حسابهای بانکی سران رژیم را اضافه کنید، واقعیت علت وجودی فقر و فلاکت مردم به روشنی بیان میشود. مسبب وضعیت محنت زده توده عظیم مردم، مناسبات اقتصادی سرمایه داری و رژیم اسلامی حاکم است. تا زمانیکه نظام سرمایه داری حاکم است، تا زمانیکه رژیم اوباش اسلامی حاکم است وضع بر همین منوال خواهد بود. رفاه مردم و جامعه در گرو سرنگونی نابودی نظام اقتصادی سرمایه داری و حکومت اسلامی است.

یک دنیای بهتر: در هر نظام سرمایه داری بدرجات متفاوت فقر یک واقعیت مادی است. در جمهوری اسلامی فقر وسیع و گسترده است. برخورد جامعه عموما و برخورد طبقه کارگر و مردم محروم به پدیده فقر در ایران چگونه باید باشد؟ حزب چه میگوید؟

آثر ماجدی: نظام سرمایه داری مبتنی بر

علیه فقر و فلاکت

با هیئت دائر حزب
بخش اول ...



محل کار برای افزایش دستمزد، مبارزه با اخراج، تلاش برای بدست گرفتن کنترل بر تولید و توزیع اشکال متفاوت مبارزه کارگری است. اتحاد کارگری در مجامع عمومی و شوراها لازمه پیشبرد موفق این مبارزه است.

مبارزه علیه بیکاری و تامین خانواده هایی که نان آوارانش بیکار هستند، یکی از ارکان مهم و پایه ای مبارزه با فقر است. باید توجه داشت که مبارزه علیه بیکاری صرفا امر بیکاران نیست. اتحاد شاغلین و بیکاران علیه بیکاری تعیین کننده است. تا زمانیکه این اتحاد وجود نداشته باشد، سرمایه داران و رژیم اسلامی می کوشند کارگران شاغل و بیکار را بجان هم بیندازند؛ می کوشند با گرفتن خطر بیکاری بالای سر کارگران شاغل میان آنها با کارگران بیکار رقابت و خصومت ایجاد کنند. لذا ضروری است که کارگران شاغل و بیکار با هم در یک صف متحد و متشکل علیه بیکاری و عواقب آن مبارزه کنند.

مبارزه در محلات و محیط زیست علیه گرانی و کمبود و برای بهبود شرایط رفاه محیط زیست یک رکن مهم مبارزه علیه فقر است. مردم باید در محلات متشکل شوند و متحد و با هم علیه این شرایط مبارزه کنند. تشکیل شوراهای محلات و تصمیم گیری مردم یک محل در مجامع عمومی شان، در صف های مواد غذایی و در هر فرصتی که پیش می آید از اهمیتی بسیار بالا برخوردار است.

یک دنیای بهتر: جنبشهای اجتماعی برخوردار متفاوتی به فقر میکنند. سیاست ناسیونالیستی چهارچوب برخورد بخشی از بورژوازی در قدرت و بورژوازی در اپوزیسیون به مسئله فقر است. نقد حزب به این دیدگاهها چیست؟ آلترناتیو و سیاست حزب کدامست؟

جلیل بهروزی: همانطور که گفتید جنبشهای اجتماعی برخوردارهای متفاوتی به مسئله فقر میکنند و در

مبارزه طبقه کارگر و جنبش کمونیستی طی سالهای اخیر را باز پس می گیرند.

این واقعیت جان سخت تولید سرمایه داری است. اما همانگونه که در سوال اشاره شد، ابعاد فقر در همه جا یکسان نیست. میزان این تفاوت هم به ساختار سیاسی اجتماعی یک جامعه معین و هم به رشد مناسبات تولیدی و تکنولوژیک بستگی دارد. در جامعه ای مثل ایران، سرمایه به وجود کارگر ارزان و خاموش نیازمند است، از همین رو دستمزدهای پایین و شرایط کار سخت از فاکتورهای اصلی نظام تولیدی در ایران است. بهمین دلیل وضعیت اکثریت جامعه مشقت بارتر است. بعلاوه، وجود یک طبقه کارگر خاموش به یک دیکتاتوری خشن سیاسی محتاج است. بخش قابل ملاحظه ای از تولید اجتماعی صرف حفظ و بازتولید این دستگاه سرکوب می شود. همچنین در جامعه ای با این مختصات سیاسی فساد مالی، رشوه و دزدی اجتناب ناپذیر است.

زمانی که به بحران عمیق اقتصادی فاکتورهای سیاسی و اجتماعی را بیافزاییم ابعاد فقر عنان گسیخته را در جامعه ایران می توان حدس زد. روشن است که فقر با صبر و شکیبایی ناپدید نمی شود. تنها راه از میان بردن فقر مبارزه طبقه کارگر و مبارزه مردم علیه آنست. مبارزه با رژیم اسلامی بر سر مساله فقر تنها راه کاهش میزان فقر و اثرات جانکاه آنست. از مبارزه در

وجود فقر در جامعه است. وجود طبقه ای که هیچ چیز جز نیروی کارش برای فروش ندارد و ناگزیر است نیروی کارش را به طبقه ای که مالک وسایل تولید و مبادله است، بفروشد، رکن اصلی نظام سرمایه داری است. از اینرو نظام سرمایه داری وجود یک اکثریت نادر را فرض می گیرد. طبقه ای که اگر یک روز نیروی کار خود را بفروشد به نان شبش هم محتاج می شود. بعلاوه، وجود ارتش ذخیره کار یکی از ارکان دیگر این نظام است. این پدیده موجد رقابت درون طبقه کارگر می شود و بر دستمزدها و شرایط کار تاثیر می گذارد. لذا سرمایه برای انباشت بیشتر و افزایش ارزش اضافه به وجود انسان های بیکار نیاز دارد. بیکاری نیز مساوی است با فقر. بنابراین فقر از ملزومات نظام سرمایه داری است.

حال به نسبت موقعیت تولید در هر شرایط، یعنی اینکه تولید سرمایه داری در حالت شکوفایی است یا در بحران بسر می برد، و می دانیم که بحران های ادواری جزء خصائص جدایی ناپذیر سرمایه داری است، میزان فقر در جامعه تغییر می کند. در شرایط حاضر بعینه می بینیم که چگونه تمام دنیا در فقر دست و پا می زند؛ بیکاری ابعاد بسیار گسترده ای یافته است؛ بیخانمانی به یک پدیده وسیع بدل شده است؛ اکنون که بحران سرمایه داری ابعاد بین المللی و عمیقی دارد، تمام دنیا با فقر و فلاکت دست و پنجه نرم می کند. دولت های بورژوازی در کشورهای غربی که از درجه ای از رفاه اجتماعی برخوردار بوده است، دارند تمام دستاوردهای

این میان برخورد جریانات بورژوائی و طبقه سرمایه دار به مسئله فقر خیلی خصلت نما و کلاسیک است. توجه اینها به مسئله فقر زمانی است که اعتراضات و طغیانهای توده ای باعث وحشت شان میشود و اینجا است که ماشین توجیه سازی و تئوری سازی شان به کار می افتد. در این میان اما جنبش ناسیونالیستی ویژگی اساسی اش در تبیین علل فقر این است که اینها "منفعت ملی" و سرمایه دار "وطنی" محور حرکت و موضعگیری و راه حل شان میباشد. ممکن است فقر جامعه و فشارهای کمرشکن آن را بروی کل جامعه و بخصوص طبقه کارگر ببیند. سخنگویان و تحلیل گرانش ممکن هست حتی نسبت به "فقر" سمپاتی داشته و از این مسئله آزرده خاطر باشند. ولی اولا علت پایه ای فقر میلیونی و گرسنگی و رنج توده را نه به شرایط سرمایه داری جامعه و وجود طبقات و یا حتی بحران اقتصادی این نظام مربوط میدانند و نه سطح تحلیلشان به این علت پایه ای نزدیک میشود. ثانیاً راه حلشان از چهارچوب منفعت طبقه سرمایه دار "خودی" و "وطنی" فراتر نمیرود. از آنجایی که در ایران و کشورهای در زمره ایران ما با طبقه سرمایه داری "ملی" و "خودی" روبرو نیستیم راه حل های این جریان خیلی پا در هوا و کاملاً در جهت خاک ریختن در چشم مردم است. چرا که همه بخشهای طبقه سرمایه دار از قبل تولید و باز تولید سرمایه های جهانی و انحصاری سود و منفعت میبرند. حتی

علیه فقر و فلاکت

با هیئت دائر حزب
بخش اول ...



بود جهت درهم شکستن مقاومت و مبارزه کارگران برای يك زندگی بهتر. برای این رژیم پایین نگهداشتن سطح زندگی مردم با چماق و سرکوب هدفی بود جهت جذب سرمایه ها و تامین سودهای نجومی برای سرمایه داران و قشر انگلی که حول این حکومت جمع شده بودند.

دیگر مرتبا گسترش می یابد. در عین حال همین عدم نبود مواد اولیه و فشار کارفرماها و دولت برای اینکه کارخانه ها در حال تولید بمانند و سنبل کارهایی که صورت میگیرد، هر روز در گوشه ای حادثه می آفریند و باعث نقص عضو و صدمات جبران ناپذیر و مرگ کارگران میشود که بطور عموم به حساب "سهل انگاری کارگران" گذاشته میشود. با این لطمات جبران ناپذیر و مرگ هر کارگر خانواده با کارگری به انتهای خط میرسد. بالا رفتن نرخ بیکاری نرخ روی آوری به اعتیاد بالا میروند. پیامدهای بیکاری مهم و زیاد اند. بخش مهمی از جرائم و حتی جنایت در جامعه در این جنگل سرمایه داری چیزی جز تلاش برای سیر کردن شکم و زنده ماندن نیست. افزایش بیکاری در استانهای کشور بلافاصله برای خانواده های کارگری به ترک تحصیل بخش زیادی از دانش آموزان و دانشجویان منجر میشود و هر روز تعداد زیادی به خیل ارتش بیکاری در ایران افزوده میشود.

علیه این بیکاری و گرانی چه باید کرد؟ واقعیت اینست که علیرغم میل هر انسانی مبارزه کردن برای زنده ماندن و بقا به انسانها تحمیل میشود. این نظام و سیستم اقتصادی و سیاسی حق را دو دستی تقدیم مردم نمیکند. در دنیای وارونه ای که ما زندگی میکنیم حق دادنی نیست بلکه با اتکا به قدرت گرفتاری است. پس بنابراین راهی بجز مقابله و تعرض و متشکل شدن حول خواستهای

از این رو راه حل ما دقیقا از سر این توضیح برخاسته است. برای پایان دادن به رنجی که مردم از سر فقر و گرسنگی میبرند باید این رژیم را بزیر کشید. باید اساس جامعه سرمایه داری در ایران را واژگون کرد و مناسباتی را با قدرت سازمان یافته و متشکل کارگران و مردم بوجود آورد که در آن نه از استثمار خبری باشد و نه از طبقات و مالکیت خصوصی. تولید و توزیع اجتماعی باید بر اساس نیاز و توان مردم پایه گذاری شود. ثروت جامعه از آن همه مردم است و هیچ چیز نمیتواند مقدم تر از رفاه و آسایش آحاد جامعه باشد. تحمیل فقر و فلاکت به اکثریت عظیم جامعه خشن ترین و بی رحمانه ترین رفتاری است که نظام سرمایه داری و حافظین آن با کارگران و مردم میکنند و اولین گام انقلاب اجتماعی که ما پرچم آن را بلند کرده ایم پایان دادن به این بربریت مدرن است.

یک دنیای بهتر: بیکاری و گرانی در ایران نجومی شده است. علیه بیکاری و گرانی چه باید کرد؟ سیاست مشخص حزب در این زمینه کدامست؟

نسرین رضاعلی: در چند سال اخیر بطور غیر قابل تصویری بیکاری بیداد میکند و این برابر با فقر بیش از پیش مردم و طبقه کارگراست. مرتب شاهد هستیم پروژه ها بخاطر نبود مواد اولیه تعطیل میشود و حتی صنایع مهم کارشان دچار اختلال شده است. تعدادی از پتروشیمیها به بهانه های کمبود مواد اولیه نیروی کار را کم کردند. همینطور بسته شدن تعداد زیادی از کارخانه و کارگاههای

جریانات راست ناسیونالیستی نسخه اش را پیچیدند. اینها از سر این که توده وسیعی از مردم بی کارند و در چرخه تولید و توزیع نیستند، یا این که توان خرید نداشته و این خود تقاضا را پایین آورده و به رشدی اقتصاد آسیب میرساند، از این که سرمایه های انسانی "وطن" عاطل و باطل مانده است، به مسئله فقر نگاه میکنند. اما راه حلشان در بهترین حالت طرح يك "حکومت عقلایی" ضمن حفظ نظام سرمایه داری است. البته اپوزیسیون ناسیونالیست، رژیم حاکم را بخاطر بی کفایتی و بی سوادى و بی اطلاعی از اقتصاد یکی از عوامل مهم ورشکستگی اقتصادی و فقر میلیونی میدانند ولی هیچ گاه این رژیم را بعنوان حافظ نظام سرمایه داری و بعنوان يك رژیم سرمایه داری و از این زاویه مسبب فقر و گرسنگی، بی مسکنی و بی بهداشتی مردم نمی شناسد.

اما ما چگونه مسئله فقر را توضیح میدهیم ما خیلی روشن گفته ایم که علت فقر و گرسنگی مردم در ایران جامعه سرمایه داری و بحران مضاعفی است که این نظام از خیلی مدتها پیش دچار آن است. ما توضیح داده ایم که جمهوری اسلامی رژیمی است که از بدو روی کار آمدن در تلاش است که بار این بحران را بر دوش کارگران خراب کند. برای این رژیم در بدو روی کار آمدن فقر و فلاکت مردم یکی از سلاحهایی بود جهت سرکوب انقلاب. برای این رژیم تحمیل بیکاری و گرسنگی وسیله ای

شرایط سیاسی حاکم در ایران، دیکتاتوری هار و عنان گسیخته نیز ابزاری است که در اساس پاسخگویی این نیاز پایه ای است. از این رو حتی آنجا که "ناسیونالیستها" صحبت از سرمایه های داخلی و سرمایه داری وطنی میکنند آن هم در شرایط که سرمایه داری يك پدیده جهانی است و هر کشور در تقسیم کار جهانی جایگاه ویژه در تولید و توزیع سرمایه ها دارد، فریبکاری بیش نیست. اینها چنان تحلیل میکنند که گویا سرمایه بر اساس اراده سرمایه داران و یا حکومت و یا انسانهای خیر حرکت میکند و یا خواهد کرد و بدین طریق دینامیسم سود در تولید سرمایه داری را کاملا کتمان میکنند. سرمایه هیچ گاه بر اساس منفعت و نیاز جامعه به گردش در نمی آید. سود موتور سرمایه است. از این رو به درجات زیادی بهشت سرمایه داران جایی است که فقر و مسکنت مردم بیداد میکند.

اما اگر مجمل بگوئیم، ناسیونالیسم اساس حرکتش در توضیح فقر اینها است؛ عدم رشد صنایع داخلی و تهاجم تولیدات خارجی، وجود صنایع مصرفی و نه تولید صنایع سنگین، رشد ناهمگون و صنعت تك محصولی، دولت بی کفایت و عدم برنامه ریزی اقتصادی و... اگر از آنها بپرسید تحلیل تان از اقتصاد ایران چیست همه اینها را ردیف می کنند. می بینید وقتی اساس مسئله توضیح داده نشود راه حل هم غلط خواهد بود. جناح به اصطلاح چپ ناسیونالیست ممکن است از سر انسان دوستی و خیرخواهی به مسئله فقر توجه کند ولی کماکان به همان راه حلی میرسد که

علیه فقر و فلاکت

با هیئت دائر حزب
بخش اول ...



باید در مجامع عمومی تصویب کنند که بیمه بیکاری مکفی حق مسلم هر فرد بیکار در جامعه است. توجیهات تحریم اقتصادی یا بحران اقتصادی برای کارگران نباید قابل قبول باشد. شیرازه زندگی بخش عظیم طبقه از هم پاشیده شده است و این بزرگترین دلیل است که کارگران مبارزه علیه فقر و گرانی را آغاز بکنند.

باید فضای اعتراضی علیه فقر را تشدید کرد. مبارزه وجود دارد اما باید آن را جهت داد و متشکل کرد. ضروری است شعارها و خواستها را همه جا نوشت: زنده باد مجامع عمومی! زنده باد شوراها! زنده باد ارگانه‌های اعمال اراده مردم! زنده باد آزادی! زنده باد برابری! زنده باد رفاه! باید در ابعاد گسترده خودمان را در محیط کار و زندگی‌مان سازمان دهیم و رژیم هار اسلامی سرمایه را سرچایش بنشانیم.

یک دنیای بهتر: سازماندهی شوراها در محل کار و زیست، سیاست کنترل کارگری از جمله ارکان سیاستهای سازماندهی حزب در تقابل با فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری است. چرا این سیاستها مطلوب و ممکن است؟ چگونه و از کجا باید آغاز کرد؟

سیاوش دانشور: مبارزه برای استیفای هر حقی امری اجتماعی است. امر کسانی است که مستقیماً و بلاواسطه در آن ذینفعند. در شرایطی که رژیم اسلامی فقر و نداری و ناامنی اقتصادی و سرکوب سیاسی را به بخش

حکومتی نیست، چرا برای بخش مرفه نیست؟ این بی ارزش کردن و بی حرمت کردن مردم و بجان هم انداختن آنها برای یک کیلو گوشت هدفش اینست که توقعات مردم را بشدت پائین بیاورد. باید در مقابل این تعرض بیشرمانه و برای همین خواست که ما اجازه نخواهیم داد بیش از این به ما بیحرمتی شود، اجازه نخواهیم داد هر روز نان ما گرو گرفته شود، متشکل شویم. در اجتماعات و مجامع عمومی مان در محلات نمایندگان خودمان را انتخاب کنیم. شوراها سرخ محلاتمان را تشکیل دهیم. جوانان باید خود را در این اجتماعات و مجامع عمومی باز یابند. در یک کلام پیر و جوان در این مجامع عمومی با اراده ای قوی خواهشهای خود را به رژیم باید تحمیل کنند. رژیم در مقابل مردم متحد متزلزلتر خواهد بود. باید مردم فریاد بزنند ما فقر نمیخواهیم، ما گرسنگی نمیخواهیم، ما رفاه و آسایش و آزادی میخواهیم! باید بر در دیوار بنویسند و فریاد بزنند زنده باد زندگی! مرگ بر سرمایه داری!

بنظر من نقطه قوت جنبشی که علیه بیکاری و گرسنگی امروز پراکنده دارد خودنمایی میکند در محیط کار میتواند با ایجاد مجامع عمومی روئین خود فضا و توازن قوا را به نفع خود عوض کنند. رژیم هار اسلامی با ارتش بیکاری که ایجاد کرده تلاش دارد کارگران را تهدید و مرعوب کند. باید به کارگران گفت اگر در مجامع عمومی خودتان متشکل شوید، اگر شوراها واقعی خود را تشکیل دهید، هیچ قدرتی نمیتواند شما را بیکار و اخراج بکند. اگر رژیم با یک تن واحد روبرو باشد قدرت سرکوب و ارباب ازس سلب خواهد شد. باید اعلام کرد این کشور بحد کافی ثروت دارد که احدی گرسنه سر بر بالین نگذارد. کارگران همه جا باید مبارزه علیه بیکاری، مبارزه علیه فقر، مبارزه علیه گرانی را در دستور کار خود بگذارند. در این مبارزه باید کارگران بیکار از بیشترین حمایت برخوردار باشند.

باز یافت. در این صفها میشود بیشتر متوجه شد درد همسایه بغل دستی من همان دردی است که من دارم. میتوان و باید حول همین درد مشترک اعتماد ایجاد کرد و نطفه های اعتراض و تشکل را در محلات ایجاد کرد. باید تلاش کرد در این اوضاع اسفبار اقتصادی در اوج گرانی و بیکاری بیش از پیش به هم اعتماد کنیم و بیش از پیش در سرنوشت همدیگر با متشکل شدن دخیل شویم. بارها و بارها شاهد بودیم در صفها در محلات، در محیط کار، جلوی اداره مثل استانداری و فرمانداری و شهرداری مردم سران حکومت را به فحش کشیدند. امروز باید اقداماتی متحدانه تر و متشکل تر را سازمان داد.

تنها با متشکل شدن حول خواهشهایمان میتوانیم شرایط را به نفع خودمان تغییر بدهیم. ایجاد مجامع عمومی در محلات یکی از ابتدائی ترین اقدامات است. برای ما مجمع عمومی چیزی جز همان جمع شدن خودمان در محله نیست. باید مردم مستقیم در مقابل ادارات زیربیط جمع شوند. بجای صف کشیدن از ساعت 4 صبح و یا زودتر در جمعهای خود تصمیم بگیرند که سر ساعت باز شدن استانداری و ادارات دولتی جمع میشوند و حقتشان را میخواهند. اگر مرغ و مواد مورد نیاز وجود دارد چرا باید برای تهیه آن ساعتهای طولانی مردم در صف بایستند؟ چرا بطور عادی عرضه نمیشود؟ اگر کمبود هست چرا برای سران

برحقمان برایمان باقی نگذاشتند. اگر رژیم اسلامی تحریم اقتصادی شده، اگر سران حکومت جنایتکار اسلامی با سیاست حذف سوبسیدها ما را در فقر و نداری بیشتری فرو بردند، اگر بحران اقتصادی که دامن دنیا را گرفته و حکومتی مثل حکومت هار اسلامی که بیش از 3 دهه است تنها با کشتار و سرکوب مردم و اعتراضات شان به بقای خود ادامه میدهد، اگر در کنار این مشقات مسائلی مانند خشکسالی در تولیدات و حتی بخش کشت و صنعت اختلال بوجود میاورد، چرا تاوان این اوضاع را باید کارگران و خانواده های کارگری بپردازند؟ سوال اصلی و مهمی که حزب ما تاکنون بسیار به آن پرداخته و در مورد چگونگی مبارزه با آن صحبت کرده است، سازماندهی در محیط کار و زیست است.

کمبودهای اخیر مواد غذایی و صفهای طولیل باعث اعتراضاتی پراکنده در شهرهای مختلف شده که بزرگترین آن در نیشاپور بود. این اعتراضات باید گسترده تر شود و بطور سازمانیافته ای پیش رود. در هر شرایط و فرصتی که برای مردم ایجاد میشود باید علیه بیکاری و گرانی اعتراض کرد. واقعیت اینست که مردم وقتی با هم هستند، وقتی تعداد زیادی بطور طبیعی کنار هم هستند، و اعتراض کنند نیروهای سرکوبگر به راحتی نمیتوانند مردم را سرکوب کنند. تلاش میکنند ابتدا با وعده دادن جمعیت را متفرق کنند. بارها شاهد بودیم نیروهای سرکوبگر وقتی با خشم گسترده مردم روبرو میشوند عقب نشینی کردند. بنابراین این صفها میتواند محل تجمع اعتراضی باشد. در این صفها میشود اعتمادها را

علیه فقر و فلاکت

با هیئت دائر حزب
بخش اول ...



برای اهدافی روشن و خواستی واحد و جمعی. مثلا افزایش دستمزدها، ایمنی محیط کار، لغو قراردادهای سفید امضا، نظارت بر اجرای توافقات کارگران در محیط کار، جلوگیری از موش دوانی کارفرما و عواملش، حفظ اتحاد کارگران با اتکا به منافع کل کارگران از طریق شرکت آنها در امر و منافع مستقیم خود. یعنی واقعیت وجودی ما بعنوان کارگر در محل کار. یعنی شکلی از ابراز وجود مستقیم در محیط کار و یا در محله کارگری همراه با خانواده هایمان. ابراز وجودی که بلاواسطه به منافع عموم ما مربوط است.

تردیدی نیست پشت هر اجتماع کارگری، پشت هر مجمع عمومی کارگری، پشت هر سازمان شورائی طبقه کارگر، تلاشهای بخشهای پیشرو و سوسیالیست و کمونیست طبقه حیاتی و مهم و کار ساز است. امری که در مورد هر اعتصاب و اعتراض کارگری هم صدق میکند. همان محافل و مجامعی که مقدمات یک اعتصاب و اعتراض را میچیند و برنامه ریزی میکند، همان محافل و مجامع کوچکتر و غیر علنی تر باید مقدمات برگزاری مجمع عمومی و اجتماعات اولیه را فراهم کند. موانع جمع شدن و چگونگی آنها رفع کند. انعطاف کافی برای ادامه کاری بخرج دهد و پایه های شوراها را در محیط کار و یا در محله بریزد. سنت شورائی و مجمع عمومی در ایران ریشه دار و قوی است. این سنت از آنجا که بدو و بلافصل به نیاز و

تصمیم این و آن سرنوشت صدها خانواده کارگری را زیر و رو کند، اگر قرار است تعدیل و بیکار سازی صورت گیرد، اگر قرار است مقررات کار به نفع سرمایه عوض شود، اگر قرار است جایگاه کارگر در پروسه تولید حاشیه ای و نظم پادگانی در تولید و محیط کار ایجاد شود، کنترل کارگری سیاست آلترناتیوی است که این قانون خودگمارده سرمایه را نفی و تناسب جدید و قوانین جدیدی را منطبق با منافع کارگران دیکته میکند. کنترل کارگری لاجرم و بنا به ماهیت آن متکی به شوراها و مجمع عمومی کارگران است و همواره اراده و منافع کل کارگران را منعکس میکند و در هر مرحله این اراده را بطور مستمر نهادی میکند. حزب ما در مورد سیاست کنترل کارگری مباحث زیادی دارد و در این زمینه کتابی منتشر کرده است که توصیه میکنیم رفقای کارگر و فعالین کارگری مجددا آنرا مرور کنند. سیاست کنترل کارگری در شرایط امروز ایران یکی از ابزارهایی است که میتواند قدرت طبقه کارگر را در کشمکش سیاسی و اجتماعی نمایندگی کند و در مقابل بسیاری از تعرضات طبقه حاکم بمیدان بکشد.

چگونه و از کجا باید شروع کرد؟ ما از قانون و دولت و رضایت کارفرما و منافع سرمایه دار شروع نمیکنیم بلکه از خودمان و از منافع مان و شرایط مان شروع میکنیم. برای پایان دادن به رقابتهای شگافهای درون طبقه مان، برای ایجاد یگانگی و منفعت واحدمان، برای شرکت دادن همه کارگران و کارکنان یک واحد تولیدی، برای منعکس کردن منافع عمومی کارگران مستقل از تقسیمات کارفرما و قصابی کارگران به رسمی و پیمانی و پروژه ای و قدیمی و جدید و غیره، به شکل نیاز داریم. به شکل کارگری. شکل کارگری یعنی شکل خود کارگران، یعنی جمع شدن همه کارگران هر بخش و هر قسمت و یا بخشها و قسمتها و خط تولیدها، یعنی اعلام حضور علنی و جمعی

خواست واقعی و درد واقعی و عمومی توده های کارگر و مردم تحت ستم و انقیادی را منعکس میکنند که در قانون و سیستم قدرت بورژواها اساسا بحساب نمی آیند. در قانون بورژوازی همه نوع تعابیر و تفاسیر وجود دارد اما این قوانین بازتاب قدرت و منافع طبقه حاکمه اند. در قانون کار و مقررات کارخانه چیزی جز منافع کارفرما و سرمایه دار پیدا نمیشود و آنجا هم که از کارگر نام و نشان فرمالی وجود دارد با صد تبصره به منافع کارفرما و سرمایه دار زنجیر شده است. لذا هم تجربه تاریخی مبارزات طبقه کارگر در سطح بین المللی و ایران و هم تجارب زنده اعتراضات توده ای و میلیونی سالهای اخیر بدنبال بحران سرمایه داری در دنیا، مطلوبیت و اهمیت و ضرورت و ممکن بودن شوراها و سنت عمل مستقیم کارگری را برای هزارمین بار اثبات کرده است. هر جا توده های هم منفعت که خواست واحدی دارند در یک محل کار و مرکز صنعتی و یا در یک محل زیست و یا یک شهر و منطقه جمع میشوند و صدای واحدشان را فریاد میزنند، چیزی جز شوراها و سنت عمل مستقیم نمیتواند بیانگر دقیق اراده و خواست آنها باشد.

کنترل کارگری یک گوشه از سنت عمل مستقیم کارگری است. اگر کارفرما تصمیم به تعطیلی کارخانه میگیرد، اگر منافع سرمایه به هر دلیل قرار است با یک چرخش قلم و یک

لایفک زندگی توده های طبقه کارگر و بخش عظیمی از مردم محروم تبدیل کرده است، کارگران نمیتوانند به خود حکومتیها برای شرایطی که ایجاد کرده اند شکایت ببرند و یا خواهان اجرای قوانین بردگی شان باشند. بعبارت دیگر آنچه ما با آن روبرو هستیم عملکرد یک حکومت و قانون و نهادهای متفرقه طبقه حاکم است که این وضعیت را ایجاد کرده است و چشم اندازی در چهارچوب حکومت و نظم موجود برای بهبود و تغییر پایه ای آن توسط خود آنان وجود ندارد. اگر این فرض برای ما کارگران قابل قبول است، آنوقت باید در مقابل قدرت حاکم قدرت آلترناتیو ایجاد کرد. یعنی قدرت دوفاکتوی توده ای و کارگری. باید در مقابل قوانین حاکم قوانین آلترناتیو ایجاد کرد. یعنی قوانینی که برآمده از اراده بخشهای مختلف طبقه کارگر و مردم زحمتکش است.

شوراها مطلوب و ضروری و ممکن اند چون این قدرت آلترناتیو و این قوانین آلترناتیو را پیش رو میگذارند. شوراها مطلوب اند چون راه حل دیگری که متضمن ایجاد اراده و اعمال قدرت مستقیم و مستمر توده ای باشد در تاریخ مبارزات اجتماعی خود را نشان نداده است و تجربه بهتری وجود ندارد. شورا مطلوب و ممکن اند چون تجربه تاریخ جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و انقلابات و هر حرکت و اعتراضی هستند که منعبث از قدرت خود مردم و مجری اراده خود مردمی هستند که از پائین برای بهبود و تغییر تلاش کرده اند. شوراها مطلوب و ممکن اند چون بسادگی نیاز واقعی و

علیه فقر و فلاکت

با هیئت دائر حزب
بخش اول ...

خواست عمومی کارگران پاسخ میدهد و دخالت توده کارگر در سرنوشت خویش را در هر مرحله نقطه عزیمت خود قرار میدهد، لذا نیازی به تلاشهای بورکراتیک و حاشیه کردن توده کارگران تحت نام تشکل ندارد. تشکل آنجاست که کارگران جمع شدند، یعنی مجمع عمومی. قانون و تصمیم همان است که جمع کارگران میگویند. همان مرجعی که نماینده انتخاب میکند و یا تصمیم میگیرد دستجمعی ظاهر شود، همان مجمعی که خواستش را روی کاغذ می آورد، همان مجمعی که اعلام اعتصاب میکند، همان مجمع نیز میتواند تصمیمات را از بالا تا پائین تغییر دهد و عوض کند و یا تماما منتهی کند.

مجمع عمومی رکن اساسی سنت شورائی و رکن اساسی شوراهای کارگری است. شورا بدون مجمع عمومی قابل تعریف نیست. شورا یعنی مجمع عمومی سازمان یافته و مستمر و منظم برسر هر موضوعی که کارگران تشخیص میدهند و صلاح میدانند. شورا یعنی قانون و اراده کارگر در پروسه تولید و محیط کار و محل زندگی. پیشنهاد شورا در هر اعتصاب و اعتراض و تصمیم و موافقت و مخالفت توده کارگران تشکیل دهنده آن یعنی مجمع عمومی است. سازمان دادن مجمع عمومی نه کار شاقی است و نه

تخصص ویژه ای نیاز دارد. کارگر بمجرد اینکه چند بار در مجمع عمومی شرکت میکند و قدرت جمعی اش بعنوان کارگر را میبیند، به چیز دیگری بعنوان تشکل کارگری رضایت نمیدهد. کارگر بدرجه ای که اراده و نظر و قدرتش را اعمال میکند، و انعکاس این قدرت جمعی را میبیند، میتواند جایگاه خویش بعنوان طبقه را بهتر درک کند و دیوارهای رقابت و شکافهای درونی و تقسیم کار سرمایه را در محیط کار دور بزند و یا آنرا موقتا منتهی کند.

برای تشکیل مجمع عمومی و سازماندهی عمل مستقیم شورائی در محیط کار و محیط زیست باید از منافع و نیاز و خواست عمومی کارگران و خانواده های کارگری شروع کرد و متکی به طبیعی ترین اجتماعات همین جمع در کارخانه و محیط زندگی شد. مجمع عمومی میتواند کوچک یا بزرگ باشد و بنا به شرایط و محدودیتهای تغییر کند و یا چند جا برگزار شود. اما ماهیتا یکی است و یک سیاست بر آن ناظر است. نیاز و منفعت کل کارگران با قطبناهی واحد برای اعمال اراده و دخالت مستمر کل کارگران. *

زلزله در آذربایجان

چه کسی مسئول است؟

بار دیگر زلزله در ایران قربانیان وسیعی برجای گذاشت. زلزله ۶.۲ ریشتری در شهرستان اهر و ورزقان و کلیبر و مناطق اطراف تاکنون بیش از ۳۰۸ کشته و بیش از ۳۰۰۰ زخمی برجای گذاشته است.

زلزله های قویتر در کشورهایی مانند ژاپن حتی زندگی یک خانواده را ویران نمیکند. مسئول کیست؟ آیا آنطور که حکومت اسلامی سرمایه داران جلوه میدهند این کشتار وسیع نتیجه "قضا و قدر" و "مشیت الهی" است؟ یا نه، حکومتی مسئول است که در قبال جان و زندگی مردم ذره ای مسئولیت ندارد؟ علم و دانش و توانائی و امکانات بشر امروز در هر جای جهان میتواند مشقات و تلفات انسانی و مادی زلزله را به حداقل ممکن برساند. اگر در کشورهایی مانند ایران اینطور نیست و چنین فجایعی بیار می آید، تنها باید انگشت اتهام را به سمت حکومتی نشانه گرفت که جان انسانها برایش پیشیزی ارزش ندارد. چنین حکومتی تنها باید سرنگون شود.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری ضمن ابراز همدردی عمیق با مردم در آذربایجان و ایران صمیمانه به بازماندگان این فاجعه تسلیت میگوید. حزب بر تلاش گروههای امداد مردمی و یاری رساندن به قربانیان تاکید دارد. فاجعه زلزله را باید به وسیله ابراز همدردی و همبستگی عمیق میان مردم در تقابل با رژیم اسلامی تبدیل کرد. باید همه جا اعلام کرد که میتوان و عملی است که با زلزله را کنترل کرد و یا مشقات ناشی از آن را به حداقل رساند. باید همه جا بر بی مسئولیتی و ضدیت حکومت اسلامی در قبال جان و امنیت شهروندان تاکید کرد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ مرداد ۱۳۹۱ - ۱۳ اوت ۲۰۱۲

زنده باد جنبش مجمع عمومی کارگران!

زنده باد شوراهای کارگری!

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع

عمومی متکی شوید!

مجمع عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم و

مستمر توده کارگران است!

جنبش مجمع عمومی کارگری را

تقویت و گسترش دهید!

فقر و فلاکت عامل تباهی است!

زندگی مرفه، زندگی انسانی حق مسلم ماست!

مرگ بر حکومت فقر و گرانی!

زنده باد آزادی، برابری و رفاه!

علیه گرانی و فقر!

وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر

۱- گسترش فقر و فلاکت، گرسنگی و سوتغذیه، گرانی سرسام آور و ناتوانی اکثر مزدگیران جامعه از تامین نیازهای پایه ای خویش، گسترش بیکار سازیها و اخراج گسترده کارگران، افزایش کار قراردادی و سفید امضا، گسترش وسیع شرکت‌های پیمانی که کمترین دستمزدها را به کارگر میپردازند، فقدان سیستم رفاه اجتماعی و عدم دسترسی مکی به بهداشت و درمان و آموزش و مسکن، جامعه را در آستانه یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی قرار داده است. در شرایطی که فقر و گرانی کمر مردم را خرد کرده است، و مردمی ناراضی و منزجر هر روز بیشتر قربانی این اوضاع میشوند، شورش گرسنگان علیه وضع موجود یک چشم انداز واقعی است. وظیفه فوری جنبش کمونیستی کارگران، سازماندهی این پتانسیل اعتراضی طبقه کارگر و مردم زحمتکش و تبدیل آن به جنبشی خودآگاه و انقلابی علیه سرمایه داری و نظام اسلامی حاکم است.

۲- با تشدید گرانی و گسترش فقر و بروز پیامدها و مصائب اجتماعی ناشی از آن، جناح های مختلف بورژوازی تلاش میکنند یکدیگر را مسبب این اوضاع فاجعه بار قلمداد کنند. تز مقابله با "مافیای اقتصادی"، نقد به "واردات بی رویه"، سیاست "حمایت از تولیدات داخلی" و کلا دیدگاههای ناسیونالیستی و پروتکشنیستی، نه نسخه ای برای درمان این اوضاع بلکه تلاشی آگاهانه برای خارج کردن مسبب واقعی این وضعیت، یعنی نظام سرمایه داری و کل حکومت مرتجع اسلامی از تیررس تعرض و اعتراض کارگران و مردم گرسنه است. در عین حال طرح این سیاستها تلاشی برای پاسخگویی به فشار پائینی ها از جانب بالایی ها است که به سهم خود به جدال درون حکومتی برسر کنترل اوضاع و نفس بقای حکومت دامن میزنند. جمهوری اسلامی نه

۳- نه فقط جمهوری اسلامی، بلکه دیگر نیروهای بورژوازی اپوزیسیون نیز راه حلی ریشه ای برای نابودی فقر ندارند. اپوزیسیون پرو غرب نه تنها وعده بهبود این اوضاع را نمیدهد، بلکه چند نسل از کارگران را به جان کندن برای بازسازی سرمایه داری و "خرابیهای ناشی از عملکرد حکومت اسلامی" فرا میخواند. جریانات ملی- اسلامی اپوزیسیون مسئله فقر و گرانی را ابزاری در خدمت جنگ جنجالی می بینند و عموماً سیاستهای ناسیونالیستی را مطرح میکنند. برخی از جریانات "چپ رایکال" یا گسترش فقر را ابزاری در خدمت شورش و عصیان مردم علیه رژیم تلقی میکنند یا با طرح سیاستهای آنارکوپاسیفیستی از سازماندهی توده ای و کارگری علیه فقر طفره میروند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری مبارزه علیه فقر و فلاکت و گرانی را مبارزه ای حیاتی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی و جزیی از مبارزه بیوقفه برای بهبود دانی معیشت طبقه کارگر و مردم میدانند. بدرجه ای که طبقه کارگر و جنبشهای اعتراضی بتوانند حاکمیت سرمایه و رژیمشان را در تحمیل فقر و فلاکت بیشتر عقب برانند، به همان درجه شرایط برای سرنگونی رژیم اسلامی و برپایی یک انقلاب عظیم کارگری علیه وضع موجود فراهم تر میشود.

۴- حزب اتحاد کمونیسم کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، نظام سرمایه داری را

فلاکت، ترسیم افق و سازمان رهبری، بعنوان سه رکن مهم تضمین پیشروی و پیروزی است. تبدیل شورش کور به شورش آگاهانه و سازماندهی اعتراض علیه وضعیت موجود درگرو تامین این سه رکن اساسی است.

۶- کمونیسم و طبقه کارگر باید در راس مبارزه علیه فقر و گرسنگی و وضعیت فلاکتبار اقتصادی قرار گیرند. در این مبارزه یک هدف استراتژیک ما خارج کردن کنترل پروسه تولید و توزیع کالاها و اقلام مورد نیاز پایه ای مردم از مکانیزم و تسلط بازار است. دسترسی و برخورداری از غذا و آموزش و بهداشت و سلامتی، نه یک امتیاز ویژه طبقات دارا، بلکه حق پایه ای همگان و هدف عمومی ما در این مبارزه است. هر انسانی به محض چشم گشودن به این جهان باید از تمامی نیازهای انسانی برخوردار شود. از اینرو مبارزه برای وادار کردن دولت سرمایه به دادن سوبسید به اقلام مورد نیاز زندگی مردم و تامین بیمه های اجتماعی رکن دیگر سیاست ماست. ایجاد سازمانهای توده ای علیه فقر، برگزاری مجامع عمومی کارگری در مراکز مهم تولید مواد غذایی و نیازهای مردم، برگزاری مجامع عمومی در محلات کارگری و فقر زده، سازمان دادن ایجاد شبکه های متنوع علیه گرسنگی و فقر، شرط اساسی پیشبرد چنین استراتژی و سیاستی است. باید در هر گوشه جامعه پرچمی علیه فقر و فلاکت اقتصادی برافراشت.

۷- حزب اتحاد کمونیسم کارگری توجه پیشروان طبقه کارگر، رهبران سوسیالیست و کمونیست طبقه، فعالین اردوی آزادی و برابری و رفاه را به این اوضاع خطیر جلب میکند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به متشکل شدن و مقابله با موج فقر و فلاکت و گرانی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی فرامیخواند!

مصوب پلنوم سوم حزب

به اتفاق آرا، ژوئن ۲۰۰۸

مسبب مستقیم فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و گرسنگی و مصائب اجتماعی ناشی از آن میدانند. رژیم اسلامی، حکومت مشتی کانگستر سیاسی- نظامی و باندهای اقتصادی مافیائی است که بر تمام امکانات جامعه جنگ انداخته اند. مساله این نیست که گویا "مافیای اقتصادی" نمیگذارد دولت کارش را بکند و نتیجتاً این وضعیت پیش آمده است. این حکومت مافیایی سرمایه و اسلام در ایران است. سران رژیم اسلامی خود از بزرگترین سران مافیای اقتصادی در ایران هستند. کارگران و مردم گرسنه در این جدال نباید به دنبالچه کشمکش و رقابت بخشهای مختلف سرمایه تبدیل شوند. کمونیسم و طبقه کارگر بر استقلال طبقاتی اش از سرمایه و جناحهای دولتی و غیر دولتی بورژوازی، بر جنبش و راه حل مستقل اش، و بر مطالبات و نیازهای فوری خود و اکثریت عظیم مردم در مقابله با این اوضاع تاکید میکند. مبارزه علیه فقر، که مبارزه ای برای رفع نیازهای فوری کارگران و مردم است، درعین حال جبهه مهمی از مبارزه علیه حکومت و قدرت سیاسی و اقتصادی سرمایه در ایران است. این دوره ای است که بیش از هر زمان کارگر و اعتراض و مطالبات کارگری جایگاه مهمتری در سیاست و نگرش و سمتگیری سیاسی توده مردم مخالف رژیم اسلامی پیدا میکند.

۵- مبارزه و اعتراض علیه این شرایط دهشتناک یک واقعیت انکار ناپذیر است. اعتراض و شورش علیه وضعیت موجود یکی از اشکال محتمل اعتراض در چنین وضعیتی است. اما در این شرایط مخاطراتی مبارزات طبقه کارگر و جنبش آزادی و برابری و رفاه را تهدید میکند که کمونیسم و کارگران پیشرو و سوسیالیست باید آنها را بشناسند و راه حل واقعی و عملی در مقابل آن ارائه دهند.

واقعیت اینست که شورش علیه فقر و گرسنگی، بدون سازمان و بدون رهبری و بدون تشکل و آمادگی و افق روشن سیاسی در مقیاس سراسری، به تحرك و اعتراضی کور تبدیل میشود. نتیجه چنین وضعیتی، علیرغم حقانیتی که دارد، سرکوب و شکست است. ارکان سیاست و تاکتیک حزب در مواجهه با این اوضاع، متشکل کردن توده طبقه کارگر و مردم گرسنه علیه فقر و

ما کارگران باید

به جنگ فقر و فلاکت برویم!

رژیم حافظ سرمایه داری، رژیم جمهوری اسلامی تمام تلاشش بر این است که بار بحران سرمایه داری را با تحمیل فقر و فلاکت بی حد و حصر بر سر ما کارگران و مردم کارکن خراب کند. رژیم جمهوری اسلامی با پایین نگهداشتن دستمزدها، بیکاری سازیهای وسیع، پایین نگهداشتن هر چه وسیعتر خدمات بهداشتی، حذف سوبسیدها و آزاد گذاشتن دست تجار و بازاریها در تعیین قیمت اقلام مورد نیاز مردم آنچنان بر ابعاد فقر و گرسنگی افزوده است که کل جامعه را به سر حد نابودی میکشاند.

رژیم جمهوری اسلامی در تلاش است که بار مالی رقابتهای سیاسی و نظامی با دول غرب و تروریسم دولتی و پروژه دست یابی به سلاحهای اتمی را بر دوش ما خالی کند. رژیم جمهوری اسلامی در تلاش عامدانه است که با تحمیل فقر و فلاکت غیر قابل تحمل کمرمان را خم کند، به تباهی جسمی و روحی مان بکشاند و مقاومت و مبارزه مان را درهم شکند.

مهار این رژیم و پایان دادن فقر و فلاکت کار ماست. باید متحد و متشکل به جدال با فقر و گرسنگی و به مبارزه علیه عاملین آن به میدان آمد. با ایجاد شوراهای کارگری در محل کار و محل زندگی و برقراری کنترل تولید و توزیع. با تامین صف متحد کارگران بیکار و شاغل در تشکل علیه بیکاری. با تبدیل صفهای خرید مواد غذایی به اجتماع اعتراضی علیه گرانی، فقر و گرسنگی. با خواست بستن دست زالوهایی که موجب گرانی میشوند و کنترل قیمت مواد غذایی توسط تشکلهای خود مردم. با خواست بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده به کار. با خواست اضافه دستمزد به تناسب نرخ تورم.

با خواست ممنوعیت اخراج. با خواست بیمه های بهداشتی و پزشکی رایگان، مناسب و قابل دسترس برای همه. با خواست مسکن مناسب برای همه. باید میدان دار صف مبارزه علیه فقر و گرسنگی و گرانی بود. باید نوید بخش جدال برای رفاه و آسایش همگان بود. کل جامعه چشم به ما دوخته است.

مبارزه علیه فقر و فلاکت امروز جزیی از مبارزه ما برای بقا و زندگی است. جزیی از مبارزه ما برای يك جامعه مرفه و آزاد است. این مبارزه را باید تا به زیر کشیدن رژیم عامل تباهی کل طبقه ما و کل جامعه به پیش برد.

زنده باد مبارزه و همبستگی کارگران بر علیه فقر و فلاکت!

زنده باد شوراهای کارگری!

زنده باد اتحاد کارگران شاغل و بیکار!

مرگ بر حکومت فقر و گرانی!

مرگ بر رژیم اسلامی سرمایه!

زنده باد آزادی، برابری، رفاه!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۶ اوت ۲۰۱۲

فقر و گرسنگی

را نباید تحمل کرد!

کارگران و مردمی که گرانی، گرسنگی، هزینه های کمرشکن مسکن، دکتر و درمان و ایاب و ذهاب و تحصیل فرزندان کمرتان را شکسته و زندگی را بر شما تنگ کرده است؛ کارگران و مردمی که تحمل تان از فرط تنگدستی، نداری و استیصال به سر رسیده است؛ کارگران و مردمی که خشم و تنفر از عاملین و مسببین فقر و فلاکتتان وجودتان را به آتش میکشد؛

برای هر مشکلی راهی است و برای پایان دادن به این شرایط غیر انسانی پاسخی است. مبارزه، اتحاد و تشکل تنها ابزارهایتان برای مقابله با این وضعیت است.

هر صف، هر اجتماع برای تهیه نان و ماحتیاج زندگی باید به میدان اعتراض شما بر علیه عاملین گرانی، گرسنگی و بدبختی بدل شود.

هر کارخانه و هر کوی و برزنی باید صحنه جدال شما بر علیه فقر و فاقه و نداری بدل شود.

از هر امکانی باید بهره جست تا فشار سنگین مالی موجود را کاست.

از مبارزه برای اضافه دستمزد گرفته تا تحمیل سوبسیدها به دولت،

از نپرداختن قبضه های آب و برق گرفته تا کرایه اتوبوسها،

از مصدوره اماکن و ساختمانهای دولتی جهت تامین مسکن گرفته تا نپرداختن وامهای مسکن،

از تحمیل کنترل کارگری بر امر تولید و توزیع گرفته تا پخش و توزیع مواد غذایی و وسایل اولیه زندگی از طریق تشکلهای شورایی و توده ای،

و از همه مهم تر باید مناسباتی که عامل اصلی فقر و فلاکت ما است، یعنی نظام سرمایه داری را از بین برد. باید رژیمی را که حافظ این نظام و تحمیل کننده گرسنگی و نداری و مذلت ماست به زیر کشید.

فقر و فلاکت عامل تباهی است!

زندگی مرفه، زندگی انسانی حق مسلم ماست!

مرگ بر حکومت فقر و گرانی!

زنده باد آزادی، برابری و رفاه!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۷ اوت ۲۰۱۲

روز قدس در تورنتو میدان جنگ تروریستهای اسلامی و دولتی است، علیه هر دو و در دفاع از آزادی مردم فلسطین بمیدان بیایم!

این قطب سوم از همه کارگران و مردم آزادیخواه و مترقی تورنتو می‌خواهیم در مقابل تحرکات جریات اسلامی و عوامل جمهوری اسلامی در کانادا قاطعانه بایستند و اجازه ندهند این جماعت به هر بهانه ای بساطشان را در امکان عمومی پهن کنند. در روز ۱۸ اوت در صفی مستقل ضمن محکومیت حکومت اسرائیل بخاطر کشتار و سرکوب مردم فلسطین، باید روز قدس این خیل ارتجاع را به روز افشای رژیم صد هزار اعدام و روز افشای تروریسم اسلامی بدل کرد.

**برخوداری از دولت مستقل حق
مسلم مردم فلسطین است!**

**نه به تروریسم اسلامی و نه به
تروریسم دولتی غرب!**

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم!

**حزب اتحاد کمونیسم کارگری -
تشکیلات کانادا**

۱۰ اوت ۲۰۱۲

قدرت سیاسی سهیم کردند. اینها ستون پنجم جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی هستند. در دامن این جماعت تروریستهای حرفه ای از جمله گروه ۱۸ نفره تورنتو پرورده شده است. از سوی دیگر جریانات به غایت راست و نژاد پرست پرو اسرائیلی در کانادا به صف شده اند تا در این روز در مقابل قشون ارتجاع اسلامی از دولتی که دستهایش تا مرفق به خون کودکان و مردم بیگناه فلسطین آغشته است، حمایت کنند.

از نظر مردم مترقی، آزادیخواه و انسان دوست نه جریانات اسلامی و حزب الهی ربطی به مردم فلسطین و حقوق آنان داشته و نه سرکوبگری و جنایت حکومت اسرائیل قابل دفاع است. این دو نیرو در اساس جزیی از دو قطب تروریسم جهانی، یعنی تروریسم اسلامی و تروریسم دولتهای غربی هستند. مردم فلسطین تنها با اتکا به نیروی خود و بشریت مترقی میتواند به حقوق حقه خویش دست یابد.

ما بعنوان جز متشکل و کمونیست

کشیده فلسطین میکند تنها با اتکا به ماشین کشتار دسته جمعی است که توانست بیش از سی سال بر سر کار باقی بماند.

اینها بعنوان مکمل حکومت نژادی و مذهبی اسرائیل عامل دیگری در عدم دستیابی مردم فلسطین به دولت مستقل بودند. اینها همان جماعتی هستند که عکس خمینی این جلاذ اسلامی تاریخ معاصر را در اجتماع سال پیش به همین مناسبت، برافراشتند. اینها همان جماعتی هستند که درصدد برپایی دادگاههای اسلامی در امور خانواده در استان انتاریو بودند. اینها همان جماعتی بودند که در جنبش ضد جنگ رخنه کرده و با برافراشتن عکسهای رهبر حزب الله لبنان، نصرالله با جریانات چپ پرچمدار قطب سوم، بشریت مترقی، در صف تظاهرات به مقابله برخاستند. اینها همانهایی هستند که در تلاشند گتوهای اسلامی را با سرکوب زنان، انقیاد جوانان و کودکان در دل شهرهای بزرگ اروپا و امریکا شکل دهند تا در

جریانات اسلامی و حزب الله در کانادا روز ۱۸ اوت را روز قدس اعلام کرده و درصددند تظاهراتی در تورنتو، مقابل مجلس ایالتی استان انتاریو برگزار کنند. این جماعت به تبعیت از رهبر فاشیست خود خمینی، که بنیانگذار روز قدس بود، درصددند در این روز تحت عنوان دفاع از مردم فلسطین و پاک کردن اسرائیل از نقشه دنیا در مقابل مجلس ایالتی عرض اندام کنند.

هیچ کس توهمی در این ندارد که این اوباشان همچون جمهوری اسلامی و دیگر جریانات حزب الله در منطقه و جهان هیچ ربطی به مسئله و مردم تحت ستم فلسطین ندارند. اینها خود چه در زمانی که بیرون از قدرتند و چه هنگامی که با آتش و خون و حمایتهای دول غربی به قدرت میرسند حتی نسبت به مردمی که مسلمان میانمند رحم نمیکند، هر روز سرکوبشان میکنند و یا بخاطر اهداف کثیفشان از میان آنان با بمب گذاری و ترور قربانی میگیرند. خود جمهوری اسلامی که داعیه حمایت از مردم ستم

تعطیلی کوره های ذوب آهن فولاد مبارکه

بنا به خبر دریافتی، مدتی است که 4 کوره از 8 کوره ذوب آهن فولاد مبارکه اصفهان به دلیل کمبود آب تعطیل شده است. به همین دلیل کارفرما از پرداخت مزایای ماه جاری به کارگران خودداری کرده و علت نپرداختن را عدم تولید در این کوره ها توضیح داده است.

لازم به ذکر است که کار این کوره ها تقریباً به هم مربوط است و تعطیلی در بخشی موجب میشود که تولید در سایر کوره ها دچار اختلال شود. آنچه که مشخص است اینست که ماشین و موتورهایی که در این کوره ها مورد استفاده قرار میگیرد، بر اساس سیستم آب و هوا در بندر عباس ساخته شده است و سران رژیم و کارفرما بخاطر اینکه نشان دهند هنوز در کشور تولیدات و مراکز تولیدی به قوت خود مشغول به کار هستند این ماشینها را از بندر عباس به اصفهان آورده اند. اما بخاطر خشکسالی و کمبود آب فعالیت این 4 کوره به تعطیلی کشیده شده است.

همینطور کارگران در چند روز گذشته با زمزمه کارفرماها برای تعدیل نیروی کار روبرو شده اند. کارگران تاکنون به عدم پرداخت مزایای ماهانه اعتراضاتی صورت داده اند که متأسفانه تاکنون به نتیجه نرسیده اند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۵ مرداد ۱۳۹۱ - ۱۵ اوت ۲۰۱۲

پیش به سوی سازماندهی انقلاب کارگری

کامران پایدار

این حکومت رفتنی است. این دیگر سخن دوست و دشمن است. حالا دیگر پس از گذشت ۳۳ سال از حاکمیت سیاه جنون و جهل اسلامی هر ناظر منصف و بیطرفی بیگمان گواهی به سقوط و اضمحلال و فروپاشی حکومت اسلامی میدهد. در این ۳۳ سال همه ترندها و نمایشات مسخره و دروغین خیمه شب بازی از جانب اوباش حکومتی برای بقا بیشتر آزموده شده، به شکست کشیده شده و هر بار حکومت اسلامی زبون تر، منفور تر و از هم پاشیده تر در انظار ظاهر گشته است. در طی این سالها انواع اصلاح طلبان و اصولگراهای سیاه و سبز جنایت پیشه اسلامی هر کدام یکی پس از دیگری صحنه جنایت و فساد و دزدی را به دیگری واگذار نموده اند. زمانی موسوی جانی که دستش به خون هزاران هزار انسان آزادیخواه و کمونیست و برابری طلب آغشته است با شعار دولت خدمتگزار به صحنه آمد. تحمیل بیش از ۸ سال جنگ و قحطی و فقر و گرسنگی بعلاوه سرکوب خونین انقلاب ۱۳۵۷ بخشهایی از کارنامه این طیف از جانیان حکومت اسلامی است. به نام جنگ و به نام دفاع از ناموس و اسلام و خاک و پرچم بینهایت سرمایه های عظیم انسانی و مالی را به کوره آتش جنگ ریخته و به بهای فقر و محرومیت و کشتار و اعدام هزاران هزار انسان آزادیخواه و بیگناه سرکوب خونین انقلاب ۵۷ را به سرانجام رسانیدند.

پس از این دوباره رفسنجانی و اعوان و انصارش بیش از ۸ سال افسار حاکمیت وحشی و درنده

اسلامی را با شعار ریاکارانه سازندگی به دست گرفت. اکبر شاه با شعار طرح محو فقر و مزخرفاتی از این دست به میدان آمد و از او سردار سازندگی ساختند! او از قرار میخواست ویرانه ها و صدمات و خسارات ۸ سال فساد و جنایت دولت خدمتگزار موسوی را ترمیم نماید. ۸ سال هم دزدی و لفت و لیس و فساد و قتل و شکنجه و اعدام و کشتار زندانیان سیاسی به دست باند روباه کهنه کار رفسنجانی، برای جامعه نتیجه ای جز فقر و فاقه و بیکاری و محرومیت و تورم و سرکوب بیشتر در پی نداشت. حالا پس از دوران رفسنجانی، مارمولک سمی خطرناک، سید خندان، آخوند خاتمی با شعار اصلاحات و گفتگوی تمدنها و هزار و یک مزخرف گویی پا به عرصه ریاکاری و جنایت و دزدی نهاد. جنایتکاران و شکنجه گران بی رحم و قاتلی از قماش حجاریان و خاتمی ها گرد آمدند تا این بار با شعار اصلاحات و آزادی جنایت و فساد حکومت اسلامی را عهده دار باشند. در این دوران فجیع ترین قتلهای زنجیره ای و کشتار زندانیان سیاسی به راه افتاد. چوبه های دار و چاله های سنگسار را با پرچم اسلام و آزادی و اصلاحات و ... بر پای داشتند و همزمان فقر و محرومیت و مصیبتها ی روز افزونی را به جامعه تحمیل نمودند. دیری نپایید که اینبار هم بادکنک دوم خرداد و اصلاحات و ترندهای حکومتی ترکید. این بار هم

دوباره حکومت اسلامی که منفور خاص و عام بود لخت و عور و درمانده تر از همیشه تر در انظار میلیونها نفر انسان تشنه آزادی و برابری و رفاه قرار گرفت.

احمدی نژاد قاتل و شرکایش نیز در این ۷ سال گذشته بیش از پیش جامعه و زندگی انسانی را در بحران و قهقرا فرو برده اند. در طی این ۳۳ سال در دو جبهه متضاد و متخاصم اوضاع با گذشت هر روز به سمت بحران و انحطاط و فروپاشی و انفجار فرورفته است. حالا پس از گذشت این سالها حکومت اسلامی با همه تشنت و اختلافات و شکافها و تسویه های درونی اش هر روز زبون تر و درمانده تر از بحرانی بیرون آمده است، حکومت متزلزل و چند پاره و شقه شقه شده ای که هیچ یک از باند هایش با آن دیگری هم سازگاری ندارند چون مترسکی بی جان و بی اختیار نظاره گر اوضاع است. شیرازه حکومت اسلامی آنچنان از هم پاشیده شده که حتی دیگر قادر نیستند سیاست و برنامه های مدیریتی خاصی حتی در کوتاه مدت در جهت اهداف غیر انسانیشان تدوین و اعمال نمایند. سیاستها و برنامه هایشان عمدتا اقتضایی و اجباری و خارج از اراده خودشان است. هر یک از باندهای متفرقه حکومتی در هر موقعیتی که هستند با شتاب مشغول دزدی و ثروت اندوزیند. بسیاری از دست اندرکاران و جانیان حکومتی مدتهاست خطر را احساس نموده و ترجیح داده اند سرنوشتشان را به این کشتی به گل نشسته و سوراخ گره نزنند، به کشورهای خارجی گریخته و با پولهای باد آورده ای که به جیب زده اند به گوشه امنی خزیده اند تا شاید مترسکانی باشند در نمایشات و خیمه شب بازی مضحک و بی نتیجه آلترناتیو سازی در دست تروریسم دولتی آمریکا و اروپا!

در تمام دوران حکومت اسلامی هیچگاه فشار فقر و محرومیت و بیکاری و گرانی و بی خانمانی

اینچنین نبوده است. حذف سوبسیدها و روند افزایش یابنده گرانی و فقر، اختلافات و مناقشات حکومت اسلامی با تروریسم دولتی غرب به سرکردگی آمریکا، افزایش و تنگ تر شده عرصه های محاصره اقتصادی دول غربی علیه اوباش اسلامی، تشدید بی سابقه تضادها و تناقضات و از هم پاشیدگی کل باندها و جناههای حکومت اسلامی تا جایی که در چند روز اخیر و یکماه گذشته تعدادی از شرکا و باند خامنه ای با صراحت و طی نوشتن نامه هایی خواهان سلب اختیار از دولت احمدی نژاد قاتل و سپردن امور به دست به اصطلاح گروهی از عقلا شده اند تا شاید راه نجات و فراری برای کلیت حکومت اسلامی بیابند. همه اینها و بسیاری شواهد و قراین گویای اضمحلال و تلاشی حکومت است. حکومت در بحران، حکومت در استیصال، حکومت در بن بست، حکومت بی آبروتر و منفورتر از هر زمانی در مقابل بیش از ۷۰ میلیون انسان عاصی و به جان آمده، انسانهای آزادیخواه و برابری طلبی که خواست فوریشان سرنگونی حکومت اسلامی است. انسانهایی که از گرانی و فقر، از بیکاری و سرکوب و سانسور به تنگ آمده، انسانهایی که خواهان خلاصی فرهنگی و یک زندگی مرفه و خوشبخت و آزاد و مدرن در فردای پس از جمهوری اسلامی اند.

انفجار بزرگ، انقلاب نزدیک و در پیش است. سونامی شورش گرسنگانی که خشمشان عمارت حکومت اسلامی و سرمایه داری را نشانه گرفته در راه است. هم حکومت اسلامی و هم استراتژیست های سرمایه داری در آمریکا و اروپا صدای گامهای خروشان و پرتنین انقلاب را شنیده اند. بی جهت نیست که حکومت اسلامی هر روز بیش از پیش بر طبل

طیف گسترده ای از نیروهای چپ سنتی مذهبی و ناسیونالیست و اردوگاهی سابق با سرخوردگی ناشی از سیاستهای راست و غیر کمونیستی که در طول حیاتشان داشته اند در گوشه انزوا در انتظار معجزه نشسته اند. نیروهایی که نه ریشه ای در جامعه دارند، نه سوخت و سازی در میان طبقه کارگر دارند و نه اعتقاد و باوری جدی به انقلاب کارگری و سوسیالیستی! همه این اوضاع برای ما کمونیستهای کارگری هشدار و زنگ خطری جدی است. جمهوری دمکراتیک خلق، حکومت فدرال، دموکراسی و انقلاب کلاه مخملی، حکومت انسانی و ... نه شعار ماست و نه پرچم ما. خواست ما، برپایی انقلاب کارگری و اعلام و برقراری فوری یک جمهوری سوسیالیستی و لغو کارمزدی است. بدانگونه که کارگران و زحمتکشان در اکثر کبیر، در ۱۹۱۷ به قدرت اتحاد و سازماندهی خود و تحت رهبری حزبشان پرچم سوسیالیسم را به اهتزاز در آوردند.*

ماههاست که ریالی دستمزد دریافت نکرده اند. بیکاری و فقر و بی درآمدی بیداد می کند، تن فروشی و کلیه فروشی راه زنده ماندن است، میلیونها جوان در تحت حاکمیت بحران زده و نکبت اسلامی به آینده ای مبهم و تاریک چشم دوخته اند. خشم و تنفر به تنهایی کار ساز نیست، انفجار بزرگ در راه است. سازماندهی و سازمانیابی کلید انقلاب است.

مجموعه این اوضاع و احوال بخودی خود وظیفه ای حساس و سنگین را در پیشروی کمونیستهای کارگری نهاده است. با شعار با خوش بینی با توهم نتیجه ای به بار نخواهد نشست. حکومت اسلامی قطعاً رفتنی است، ناقوس سقوط و مرگش دیر زمانی است به صدا درآمده، همه نیروهای اپوزیسیون پروغرب از سلطنت طلبان شاه پرست تا مشروطه طلبان و جبهه ملی چی ها تا انواع دسته جات متفرقه ملی مذهبی به امید اتکا به حمایت های بیدریغ ناتو و غرب در سایه تهاجم نظامی در کمین کسب قدرت نشسته اند و از طرف دیگر

پیش به سوی سازماندهی انقلاب کارگری...

اوباش و مزدوران حکومت اسلامی هم اکنون در سرتاسر ایران موج بیسابقه ای از جنون و استیصال اسلامی را در هجوم به زندگی خصوصی و خانه و زندگی مردم را در برخورد با گیرنده ها و بشاقبههای ماهواره ای به نمایش گذارده اند.

در متن چنین شرایطی میلیونها کارگر زحمتکش و شریف در همه مراکز صنعتی ریز و درشت از خودروسازیهای ورشکسته تا صنایع فولاد و ذوب آهن و پتروشیمی ها تا نساجی ها تا کارگران صنایع فلزی و ... در حالیکه از هیچ گونه رفاه و امنیت شغلی برخوردار نیستند یا از کار اخراج و بیکار شده و یا

تحویل فقر و استیصال بیشتر در زندگی کارگران و زحمتکشان می کوبد. بی جهت نیست که حکومت اسلامی بیش از هر زمانی فضای پلیسی و سرکوب و سانسور را از پارازیتهای ماهواره ای تا فیلترینگ اینترنتی را تشدید نموده است. اخیراً تعدادی از اوباش و کاربدستان حکومت اسلامی اعلام نموده اند در آینده نزدیک در شهرهای بزرگ ایران بعلت تاثیرات مخرب و شدید پارازیتهای ماهواره ای شاهد سونامی بیماری سرطان خواهیم بود! بی جهت نیست که به نام حجاب و اسلام و ... فشار سرکوبگرانه و وحشیانه ای را از کتک کاری و ضرب و شتم تا بازداشت و زندان به زنان و دختران و پسران جوان تحمیل نموده اند. بی جهت نیست که

اطلاعیه شماره ۱

کنگره دوم

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برگزار میشود

به اطلاع میرسانیم که کنگره دوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری در ماههای آتی در یکی از کشورهای اروپا برگزار میشود.

نمایندگان کنگره طی دو مرحله انتخابات سراسری و محلی توسط تشکیلاتهای حزب انتخاب میشوند. ابتدا انتخابات سراسری و سپس انتخابات محلی (کشوری) برگزار میشود. در انتخابات سراسری ۲۰ نفر از نمایندگان کنگره انتخاب میشوند. همه رفقای عضو حزب حق دارند برای انتخابات سراسری کنگره کاندید شوند.

Wupiran.congress2@gmail.com

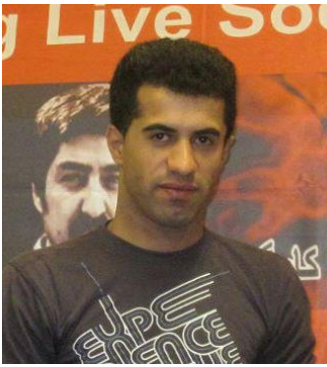
کمیته برگزاری انتخابات کنگره دوم

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

لیست کاندیداهای

انتخابات سراسری کنگره دوم حزب

- | | |
|--------------------|--------------------|
| ۱- محمد احمدی | ۱۹- نوشین قادری |
| ۲- هما ارجمند | ۲۰- پروین کابلی |
| ۳- جمال ارژنگ | ۲۱- علی کلانتری |
| ۴- نازنین اکبری | ۲۲- مریم کوشا |
| ۵- احمد بابایی | ۲۳- نسیم کوهی |
| ۶- جلیل بهروزی | ۲۴- آذر ماجدی |
| ۷- کامران پایدار | ۲۵- حامد محمدی |
| ۸- مجید پستانچی | ۲۶- سعید مدانلو |
| ۹- علی جوادی | ۲۷- سیامک مرادی |
| ۱۰- فخری جوهری | ۲۸- رضا مرادیان |
| ۱۱- سیاوش دانشور | ۲۹- حسن معارفی پور |
| ۱۲- نسرین رمضانعلی | ۳۰- فریدون ناظمی |
| ۱۳- نوید زکریایی | ۳۱- حبیب نصوحی |
| ۱۴- مهیار شاهی | ۳۲- پدram نواندیش |
| ۱۵- مهدی طاهری | ۳۳- سمکو نوری |
| ۱۶- منصور عزیزی | ۳۴- شهلا نوری |
| ۱۷- سیامند قادری | ۳۵- کریم نوری |
| ۱۸- سیروان قادری | ۳۶- عطا یار احمدی |



رویکردی مارکسیستی به بلایای طبیعی!

حسن معارفی پور

قربانیان بودند. سرمایه دارن مفت خور و آخوند های لجن مفتخور و سران اوباش رژیم اسلامی در منازل چند میلیارد دلاری در تهران و شهرستان ها زندگی می کنند و گوشت مرغ زهرمار می کنند و در حوادث طبیعی مانند زلزله این آدمکشان نه قربانی بوده و نه هستند و نه خواهند بود، بلکه تنها نظاره گر این وقایع دلخراش و قابل کنترل هستند و نه تنها جوابگو نیستند بلکه هر اعتراض به تلاش برای بهبود زندگی مردم و بالا رفتن سطح معیشت و امنیت جانی شهروندان و تلاش برای یک زندگی بهتر را با زندان و شکنجه و اوین و قزل الحصار و کهریزک پاسخ می دهند. در این راستا سران جنایت کار جمهوری اسلامی به جای امداد رسانی سریع و کمک به زلزله زدگان به شیوه های ریاکارانه اشک تمساح می ریزند و امداد رسانی های ناچیزشان را تاخیر می کنند. تاخیر در امداد رسانی و برخورد های غیر مسئولانه ی یک عده چاقوکش، دزد و مافیای وابسته به حکومت اسلامی باعث خواهد شد که آمار تلفات بالا برود و کسانی که زیر آوارند جان خود را از دست بدهند.

بر همه روشن است که سرمایه داری ایران با آن میزان از امکانات و پول هنگفتی که از فروش نفت و پسته و قالی و مواد مخدر و غیره به دست می آورد، اگر مافیای کثافت مذهبی و یک عده دزد و آدمکش مانند خامنه ای و رفسنجانی و دیگر اوباش اسلامی در راس این حکومت نبودند و یک سیستم فاسد بانکی و دزدهایی مانند خاوری نبود، و اگر ثروت در این جامعه نه به صورت مساوی حتی به صورت جوامع غربی بین مردم تقسیم می شد و دولت بخشی از وظایف مانند نوسازی و غیره را بر عهده می گرفت و سرمایه داران خونخوار و آخوندهای مفت خور یک کم از دزدی هایشان کم می کردند، بدون شک زلزله ی 7 ریشتری هم نمی توانست تلفات آنچنانی بدهد.

در کشوری مانند ژاپن زلزله ی 7.4 ریشتری کمترین تلفات را می دهد اما در یک کشور غنی مانند ایران با زلزله ی 5 ریشتری هم تلفات جانی و مالی زیادی به دنبال خواهد داشت. بنابراین برخلاف تصورات یک عده مذهبی خشک مغز این نه کار خدا و طبیعت و نه سرنوشت مردم بلکه نتیجه ی سیاست های بورژوازی در بخشی از این کره ی خاکی است. الیگارشلی قدرت در ایران که یک عده مافیای دزد و چاقوکش مذهبی بیش نیست هیچگاه در حوادث و بلایای طبیعی تلفات نداده اند و همانطور که گفته شد آنها در خانه های امن و ضد زلزله به سر می بردند یا در ویلاهای فصلی شان مشغول حال کردن هستند و مردم بسیاری از مناطق که بر روی کمر بند زلزله خیز کره ی زمین قرار گرفته اند در خانه های کاهگلی یا منازلی با امنیت و دوام پایین در مقابل زلزله زندگی می کنند.

در آخر این مطلب می خواهم اشاره کنم که اگر سرمایه داری در غرب و برخی کشورهای سرمایه داری پیشرفته یک ذره امکانات در اختیار شهروندان قرار داده است، نه در نتیجه ی خوش قلبی سرمایه دارن فاسد و یا دولت های ناسیونالیست و محافظه کار حافظ وضع موجود، بلکه نتیجه خون دادن کمونیست ها و مبارزه ی طبقاتی کارگران و زحمتکشان علیه وضع موجود و تلاش بی وقفه برای بهبود زندگی شان بوده و هست. در این کشورها، هم هر میزان از رفاه، اگر چه

حرکت بود. این کشتی متاسفانه به دلیل برخورد با یک کوه یخ بزرگ (آیسبرگ) غرق شد و نزدیک 1725 نفر در این حادثه غرق شدند. از 2300 نفر سرنشین فقط 750 نفر نجات پیدا کردند. اما آنهایی که غرق نشدند چه کسانی بودند؟! شاید برای یک بیننده سطحی اندیش و احساساتی رویکرد طبقاتی به حوادث طبیعی مانند حادثه ی فوق خنده دار باشد، اما برای کسی که الفبای مارکسیسم و انسانیت را بداند، روشن است که در این حادثه قربانیان اصلی نه بورژواهای گردن کلفت با لایه شکم چربی به قطر نیم متر، بلکه اکثرین کارگران و مردم طبقه ی پایین جامعه بودند که امکان سفر لوکس و تجملی را نداشتند و در طبقه ی زیرین کشتی، یعنی کلاس 3 کشتی بودند. با توجه به آمارهایی که موجود است می توان دید که از بین غرق شدگان بیش از 65 درصد آن را افرادی تشکیل می دادند که در کلاس 3 کشتی قرار داشتند و جز فقیر ترین قشر جامعه بودند، کسانی که برای این سفر تنها 30 دلار پرداخت کرده بودند. طبقات بالای جامعه یعنی پولدارهای مفتخور که در کلاس 1 کشتی قرار داشتند و 4350 دلار پرداخت کرده بود، جزء اولین کسانی بودند که نجات پیدا کردند و تنها درصد بسیار کمی از این مفت خورها غرق شدند.

در حوادثی مانند زلزله ی بم و زلزله ی اخیر آذربایجان شرقی هم مانند حادثه ی کشتی تایتانیک، مردم محروم و طبقات تحت ستم جز اولین

آنچه در این مطلب به آن می پردازم رویکردی مارکسیستی به بلایای طبیعی مانند زلزله، آتشفشان، طوفان و غیره است. علیرغم تنفر شدید من از سران جنایتکار جمهوری اسلامی و علیرغم تنفیری که از سرمایه داری به طور کل دارم، اما هیچگاه مسائل را با ابزار احساسات و نفرت بررسی نکرده و نخواهم کرد. در این مطلب هم تلاش خواهم کرد هر چند خلاصه به گوشه ی از حقایق در دنیای طبقاتی موجود اشاره کنم.

زلزله ی 6.2 ریشتری استان آذربایجان شرقی و شمار قربانیان و تلفات آن نشان داد که در بلایای طبیعی این نه خونخواران مفت خور و سرمایه دارن انگل صفت بلکه اکثر طبقات پایین جامعه و اقشار زحمتکش قربانی هستند. این اولین بار نیست که حوادث و بلایای طبیعی و قابل کنترل جان انسان های محروم و طبقات تحت ستم جامعه را می گیرد و زندگی هزاران نفر را تا سطح نابودی عقب می راند. اینجا برای روشن تر شدن بحث مثالی را خواهم آورد تا با استناد به مدارک مستند ثابت کنم که در بلایای طبیعی نه ثروتمندان و سرمایه دارن مفت خور و بی خاصیت، بلکه غالباً طبقات پایین جامعه، کارگران و زحمتکشان هستند که قربانی می دهند.

کمتر کسی هست که فیلم تایتانیک را ندیده باشد یا در این زمینه مطلبی نخوانده باشد یا حداقل اسم آن را نشنیده باشد. کشتی تایتانیک یک کشتی بخار بزرگی بود که صد سال پیش یعنی 15 آوریل 1912 از بندر ساوتهمپتون انگلیس به طرف بندر نیورک در

سخنرانی و گفت و شنود

آینده ایران ، کدام آترناتیو؟

- نیروهای اپوزیسیون چه میگویند؟
- سیاست و آترناتیو ما کدام است؟



نسرین رضاعی



آذر ماجدی

سخنرانان :

شنبه اول سپتامبر ساعت 18

Alte Feuerwache Köln
Melchior str. 3

از عموم علاقه مندان برای شرکت در این جلسه دعوت میکنیم

TEL: 004917747733848

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net>

www.m-hekmat.com

کتاب

کنترل کارگری

را از سایت حزب

دریافت و توزیع کنید!

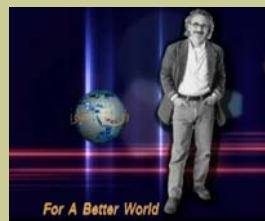
رویکردی مارکسیستی به بلایای طبیعی ...

از بین خواهد رفت. تنها با کمونیسم است که فاصله ی بین منطقه ی محروم و شمال شهر از بین می رود، تنها با کمونیسم است که زندگی میلیون ها انسان متحول میشود و از مالکان ابزار تولید سلب مالکیت می شود و تنها با سوسیالیسم و کمونیسم است که سرکوبگران جنایتکاری مانند خامنه ای و دیگر همکاران کتافتش سرکوب خواهند شد. همچنین باید اعلام کنم هر میزان از رفم و نقاشی چهره منحن و ضد بشری کاپیتالیسم و هر میزان از خنده رویی سران مرتجع دولت های بورژوازی نمی تواند و نباید بتواند باعث توهم توده های کارگر و زحمتکش به نظام نابرابر سرمایه داری که خود بزرگترین قاتل جان کارگران و زحمتکشان است، بشود. *

بسیار ناچیز است و حقوق بیکاری و هزینه های سوسیالی اندک و تحقیر آمیز به شهروندان داده می شود، نتوانسته است فاصله ی بین دارا و ندار و پورشه سوار و کسانی که پول خریدن حتی بلیط یک روز قطار را ندارند، پر کند.

برخلاف تبلیغات عده ای مرتجع و مزدور و حافظ نظم موجود که سالها به بهانه ی شوروی به سوسیالیسم توییدند و در بوق و کرنا کردند که کمونیسم مرده است و به این بهانه هرگونه مبارزه برای یک زندگی انسانی و برابر را تحقیر کردند، باید بگویم همان طور که کارل مارکس به همراه فردریش انگس در مانیفست کمونیست اعلام می کنند، تنها با کمونیسم است که فاصله طبقاتی به کلی از بین خواهد رفت و فاصله بین شهر و ده و دارا و ندار، فاصله ای که قرن ها وجود داشته

تلویزیون یک دنیای بهتر



برنامه های تلویزیون یک دنیای بهتر پنجشنبه ها ساعت ۷ صبح به وقت لس

آنجلس و ۶ و نیم بعد از ظهر

بوقت تهران

از شبکه کانال یک پخش میشود.

به رادیو ۲۴ ساعته ماهواره ای حزب گوش دهید!

رادیو از سایت هم قابل شنیدن است:

www.wupradio.org

اطلاعیه شماره یک،

آغاز بکار کمپین "علیه طرح فاشیستی پاکسازی یونان از پناهجویان"

دفاع خواهیم کرد.

دفتر پناهندگی حزب، با توجه به شرایط ویژه کنونی، به پناهجویان در کشور یونان توصیه میکند که گروههای دفاع از خود در مقابل تهاجم راسیستها تشکیل دهند. در این اوضاع باید تعرض را با تعرض پاسخ داد و از امکانات نیروهای انقلابی و مردم شریف در یونان نهایت استفاده را علیه سیاستهای راست افراطی بعمل آورد.

این طرح بنا به ماهیت ضد انسانی و کثیف آن و بدلیل شرایط ویژه سیاسی یونان بسرعت شکست میخورد. مهر این شکست را باید اعتراض رادیکال بر پیشانی دولت ارتجاعی یونان بکوبد و موقعیت پناهجویان را ایمن کند.

دفتر پناهندگی حزب اتحاد کمونیسم کارگری، تمامی احزاب، نهادها، سازمانها و شخصیتهای مدافع حقوق انسان را به حمایت و حضور فعال در این کمپین فرا میخواند و از همگان میخواهد تا از هر طریق ممکن، اقدامات عاجلی را در این خصوص در دستور کار قرار دهند.

اخبار و اطلاعات را برای ما از طریق
ایمیل sirvan_qaderi@yahoo.co
ارسال کنید. در صورت
دستگیری و خطر دیپورت با
شماره تلفن (۲۴ ساعته)
۰۰۴۴۷۴۴۶۱۳۵۸۵۷، ارتباط
بگیرید.

**دفتر دفاع از حقوق پناهندگی
حزب اتحاد کمونیسم کارگری**

۱۰ آگوست ۲۰۱۲ - ۲۰ مرداد



مردم انقلابی یونان و علیه سیاستهای دولتهای دست راستی یونان و نیروهای فاشیستی و راسیستی بوده ایم. در این کمپین نیز با اتکا به همین نیروها دولت ارتجاعی و طرح فاشیستی اش را به شکست میکشانیم.



دفتر پناهندگی حزب اتحاد کمونیسم کارگری، آغاز بکار کمپین "علیه طرح فاشیستی پاکسازی یونان از پناهجویان" را اعلام میکند. ما دولت یونان و این سیاست فاشیستی و سرکوب و دستگیری پناهجویان را شدیداً محکوم میکنیم و با تمام قوا تلاش میکنیم که این طرح را به شکست بکشانیم. ما قاطعانه و در کنار نیروهای آزادیخواه در یونان و سراسر جهان، از حقوق پناهجویان در این کشور از هر طریق ممکن

راستی یونان، تبلیغات وسیعی علیه مهاجرین را آغاز کرده اند و تلاش دارند که اقدام فاشیستی دولت را منطبق بر "تمایل عمومی شهروندان یونان" توضیح دهند. علاوه بر اینها، در متن این فضای

فاشیستی، تعرض وحشیانه گروههای راسیستی به پناهجویان در برخی محلات شهر آتن تشدید شده است.

در یونان یک فاجعه انسانی در جریان است. این تعرضی به طبقه کارگر و بشریتی است که در همان یونان مدتهاست علیه راست افراطی و دولت های نوکر بانک جهانی تظاهرات و قیام کرده اند. ما همواره خود را در کنار طبقه کارگر و

دولت یونان طی روزهای گذشته، طرح و سیاست فاشیستی "پاکسازی یونان از مهاجرین" را به اجرا گذشته است. بنا بر اخبار دریافتی به دفتر پناهندگی حزب اتحاد کمونیسم کارگری، هزاران پلیس امنیتی در سطح شهرها، ایستگاه های قطار، اتوبوسها، جزایر و بنادر یونان مستقر شده و هزاران پناهجو را دستگیر و به کمپ های حومه شهر آتن انتقال داده اند. بهانه این اقدام فاشیستی، به قتل رساندن یک شهروند یونانی توسط یک مهاجر یا مهاجرینی اهل پاکستان است. با اینکه اظهارات بسیاری از پناهجویان از کذب بودن این خبر سخن میگویند، اما حتی اگر خبر درست باشد چنین سیاستی را ایداً توجیه نمیکند. این اقدام فاشیستی و تهاجم گسترده و پاکسازی قومی همانقدر "موجه" است که اقدام رژیم اسلامی در یزد در تهاجم به مهاجرین افغانستانی به بهانه ای مشابه. این سیاست ارتجاعی را باید متحدانه شکست داد.

فضای شهرها و جزیره های یونان بشدت امنیتی گزارش شده است. پلیس و نیروهای امنیتی در اکثر خیابانها مستقر شده و پناهجویان و مهاجرین دستگیر شده را به کمپ های تحت حفاظت پلیس و ارتش این کشور انتقال میدهند. بنا بر همین گزارش، حتی تعدادی از کسانی که دارای اقامت یا اقامت موقت هستند نیز دستگیر و به این بازداشتگاهها منتقل میشوند. بنا بر اخبار دریافتی از بازداشتگاه های یونان تاکنون، جمع کثیری از پناهجویان به کشور ترکیه و یا کشورهایی که از آنجا به یونان آمده اند، بازگردانده شده اند. در همین راستا، شبکه های تلویزیونی و رادیویی و رسانه های دست

اطلاعیه شماره ۲ کمپین "علیه طرح فاشیستی پاکسازی یونان از پناهجویان"

اوضاع بحرانی شهر "کالاماتا"

برای پناهجویان

اخیرا "پانابوتیس نیکاس" شهردار شهر "کالاماتا"، طی نامه‌ای به رئیس پلیس این شهر که در روزنامه‌های یونان منعکس شده است، خواستار خروج کامل



مهاجرین و پناهجویان از این شهر شده است. این فاشیست گفته است که "پناهجویان نظم عمومی را بر هم زده اند، شبها در پارک‌ها می‌خوابند و جلوه بدی به شهرمان داده اند". صحبت‌های این مسئول دولتی، در ادامه سیاست فاشیستی پاکسازی یونان از پناهجویان است. سیاستی که متحدانه در سراسر کشور یونان در حال اجرا است و پلیس‌ها و راسیست‌های جنایتکار را به جان پناهجویان بی‌دفاع انداخته است.

بنا بر اخبار منتشر شده در روزنامه‌های این کشور، از روز دوم آگوست تاکنون بیش از ۶۰۰۰ پناهجو دستگیر شده است. همچنین، بنا بر اخبار دریافتی، گروه فاشیستی "گلدن داون" که دارای چند کرسی در پارلمان یونان نیز هست، با حمله به یک مسجد در شهر آتن، در حالی که تعداد زیادی در این مسجد بوده اند، اقدام به پرتاب گاز اشک‌آور به داخل مسجد کرده اند. بنا بر گزارش دریافتی دیگری، امروز شنبه ۱۱ آگوست، شهر آتن صحنه هجوم مجدد پلیس و نیروهای امنیتی به پناهجویان بوده است. پلیس با یورش به پناهجویان آنها را دستگیر و به بازداشتگاه منتقل

کرده است. به گفته یکی از شاهدان، تاکنون صدها پناهجو از جمله حدود ۳۰۰ پناهجوی ایرانی، دستگیر و به ترکیه و کشورهای دیگر اخراج شدند.

طرح فاشیستی پاکسازی یونان از پناهجویان را باید به شکست کشاند و فاشیست‌ها و احزاب دست راستی در قدرت را سر جایشان نشانند. این طرح فاشیستی، گوشه‌ای از پاسخ اردوی راست به بحران عمیق سرمایه‌داری در یونان است و به این اعتبار طرحی ضد کارگری و ضد چپ است.

دفتر پناهندگی حزب اتحاد کمونیسم کارگری بار دیگر از احزاب و نهادهای آزادیخواه، چپ و کمونیست و اتحادیه‌های کارگری در یونان، می‌خواهد تا گسترده‌ترین اعتراضات را علیه این سیاست‌های ارتجاعی و ضد انسانی سازمان دهند. در این تلاش ضروری و مبرم است که پناهجویان نیرویشان را متحدانه بمیدان بکشند و در کنار اردوی آزادیخواهان در یونان علیه فاشیسم مقابله کنند.

علیه فاشیسم و طرح پاکسازی قومی متحد شویم!

دفتر دفاع از حقوق پناهندگی
حزب اتحاد کمونیسم کارگری
۱۱ آگوست ۲۰۱۲ - ۲۱
مرداد ۱۳۹۱

جهت ارتباط با کمپین با ایمیل
و تلفن زیر تماس بگیرید:

sirvan_qaderi@yahoo.com
۰۰۴۴۷۴۴۶۱۳۵۸۵۷

کارگران شرکت آما

مرخصی اجباری، شمارش معکوس اخراج و بیکاری!

بنا به خبر دریافتی، این روزها امنیت شغلی و زندگی خانواده‌های بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران زحمتکش کارخانه شرکت تولیدی آما به دلیل سودجویی و اعمال سیاست‌های ضد کارگری از جانب کارفرما در معرض خطر جدی قرار گرفته است. از یکماه پیش برخی مبالغ ناچیز و اضافه کاری کارگران در سطح شرکت قطع گردیده است. علاوه بر این در چند روز اخیر عوامل کارفرما بنا به دستور عزیززاده مالک کارخانه با ارعاب و تهدید کارگران را تحت فشار قرار داده و به هر یک از کارگران اعلام داشته اند: یا ۱۰ روز مرخصی اجباری و همزمان کاهش ۱۰ روز از مبلغ سنوات پایان سال یا اخراج از کار، انتخاب با خود شما کارگران است؟ عزیززاده و هم‌دستانش کمبود مواد اولیه بعثت تحریمهای اقتصادی دول سرمایه‌داری آمریکا و اروپا و رکود و کاهش تولید را علت کاهش و قطع برخی مزایای ناچیز و اضافه کاری کارگران اعلام نموده و گفته اند اگر اوضاع اینچنین باشد در آینده نزدیک نیز تعدادی از کارگران بایستی تعدیل و اخراج شوند! تحمیل مرخصی اجباری به کارگران ترفند جدید سرمایه داران ورشکسته و سودجو برای کسب سودهای باد آورده و بیشتر است.

یکی از کارگران می‌گفت: هیچ انسان عاقلی دیوانه نشده که پس از ۹ ساعت کار روزانه آن هم در جهنم این کارخانه در ازای دستمزدهای بسیار اندک و ناچیز پس از اتمام کار روزانه و علیرغم فرسودگی و خستگی شدید ناشی از کار دوباره تن به انجام اضافه کاری بسپرد. این حکومت و سرمایه داران امثال عزیززاده با تورم و گرانی، با دستمزدهای بسیار ناچیز و چندین برابر زیر خط فقر آن ما را در شرایطی گرفتار نموده اند که حتی برای کار اضافی که انسان را به نابودی میکشاند محتاج شان باشیم. هر وقت و برحسب منافعشان شل کن سفت کن میکنند و به این طریق زندگی و معیشت ما خانواده‌های کارگری بازپچه دست سرمایه داران و حکومت اسلامیشان است. آخر، کارگری که برای اجاره خانه و نان شب خانواده اش و برای همه نیازهای ابتدایی روزانه زندگیش لنگ و معطل مانده مرخصی اجباری به چه کارش می‌آید؟ ما هم مرخصی می‌خواهیم هم درآمد و امکانات کافی برای یک زندگی شایسته انسان. ما را به مرخصی اجباری می‌فرستند، از همین الان هم گفته اند که معادل ۱۰ روز از مبلغ سنوات پایان سال ما را بالا خواهند کشید.

کارخانه شرکت آما با بیش از ۵۰۰ نفر کارگر قراردادی با قراردادهای موقت از یک تا شش ماه و دستمزدهای ۳۸۹ هزار تومانی و ساعت کاری از ۷ صبح تا ۴ عصر واقع در جاده مخصوص کرج تولید کننده انواع موتور و لوازم صنعتی جوشکاری میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۵ مرداد ۱۳۹۱ - ۱۵ اوت ۲۰۱۲

کارگران، کمونیستها، آزادیخواهان

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید!

این حزب شماست!



انتقاد همه جانبه یا پوپولیسم منسجم؟

در حاشیه مواضع حمید تقوایی

سیاوش دانشور

کدام سیاستها خدمت میکند؟

حزب "کمونیست کارگری" و انسجام!

برخلاف اظهارات حمید تقوایی در باره تقابل "همزمان با هر دو قطب ارتجاعی"، مواضع سیاسی حزب متبوع ایشان کارنامه خوبی ندارد. هر کسی مواضع این جریان را در قابل جنگ غزه، مسئله فلسطین، تقابل اردوهای تروپستی، رویدادهای ایران در سال ۸۸ و غیره مرور کند، اتفاقا این حزب همواره به طرف یک قطب ارتجاعی غش کرده و آگاهانه مواضعی یکجانبه داشته است. حکک نمیتواند از این نوع انسجام حرف بزند چرا که خود فاقد آنست. اتفاقا وقتی ما در حزب اتحاد کمونیسم کارگری عدم انسجام و یکجانبه نگری را به آقای تقوایی و دوستانش تذکر میدادیم، پاسخ میشنیدیم که حزب اتحاد کمونیسم کارگری میخواهد کلکسیونری از مواضع رادیکال و منسجم داشته باشد که "سیاسی" نیستند. و چون ایشان مواضع شان خیلی "سیاسی" بود، باید جانب این و یا آن قطب ارتجاع را مستقیما و یا تلویحا میگرفت تا در صحنه سیاسی و در صفتبندی نیروهای سیاسی تمایزشان با رادیکالیسم کمونیستی معلوم باشد. اگر امروز حزب "کمونیست کارگری" را بعنوان جریانی شبه لیبرال و لیبرال چپ و شبه سکولار و مسلمان سابق بطور موسمی در کنار جریانات فاشیست و سلطنت طلب و جریانات ملی اسلامی میبینید، نتیجه سیر بلوغ همان مواضع "سیاسی" آگاهانه و یکجانبه این حزب در طول یک دوره معین است.

هستند و روزی هزار بار تمرین دمکراسی را با فحاشی به کمونیسم تناول میکنند. استالینیست ها و مائوئیستهای دو آتشه دیروز امروز رو به کاخ سفید نماز سیاست بجای می آورند. حتی محافل بازمانده از حزب توده سابق که در نسلتاری احیای رژیم سابق شوروی زندگی میکنند، علیه دولت و مافیای کنونی حاکم در روسیه هستند. در مورد چین مسئله حتی روشنتر است. پس چپ مخاطب مورد اشاره آقای تقوایی موجودیت عینی و فعال در صحنه سیاسی ندارد. ناسیونالیسم ضد امپریالیستی البته گرایشی است که اینجا و آنجا در قبال سوالات مشخص ابراز وجود میکند اما چپ ضد آمریکائی محلی از اعراب ندارد.

بعنوان یک کمونیست کارگری نظر من اینست که مواضع ناسیونالیسم ضد امپریالیستی و مواضع ناسیونالیسم چپ امثال حزب "کمونیست کارگری"، هر دو، بیان روز همان چپ سنتی هستند که با دیدگاههای سیاسی و نگرش کمونیسم کارگری فاصله زیادی دارند.

همینطور دست آمریکا و مونتفینش اعم از ترکیه و عربستان و اتحادیه عرب تا دول اروپائی که در بسیج و تسلیح نیروهای اسلامی نقش اساسی دارند، بیشتر از روسیه در خون مردم سوریه آلوده نباشد کمتر نیست. سوال اینست که مبنای این ادعا در مورد یک طرف و این سکوت در مورد طرف دیگر چیست و به

مواضع سیاسی حزب "کمونیست کارگری" در قبال رویدادهای سوریه و ایران و مشخصا تقابل با موضع روسیه و چین از جوانب مختلفی قابل تامل است. شاه بیت استدلالی آقای تقوایی اینست که در مورد مسئله سوریه (و قبلتر لیبی و فردا ایران) باید در قبال روسیه و چین موضع فعالی داشت. چرا که بزعم ایشان "بخش عمده نیروهای چپ، نیروهائی که ما آنها را چپ سنتی مینامیم، اساسا ضد آمریکائیگری قطبنامی حرکتشان هست و بهمین خاطر کمتر میبینیم که این نیروها به دولت روسیه، علیرغم اینکه رسما و مستقیما از رژیم بشار اسد حمایت میکند و دستش تا آرنج بخون مردم سوریه آلوده است، انتقاد و یا اعتراضی داشته باشند". سپس ایشان توصیه میکند که "امیدوارم همه نیروهای چپ و انقلابی متوجه این مساله باشند و همزمان با هر دو قطب ارتجاعی، کمپ غرب و محور روسیه - چین، مقابله کنند، سیاستها و اهدافشان را برای مردم توضیح دهند و آنها را افشا کنند و به این ترتیب مردم را برای انقلاب علیه جمهوری اسلامی با اتکا بقدرت خودشان آماده نمایند".

من پاسخ نیروهای چپ سنتی را به خودشان واگذار میکنم. اما اینرا میدانم که تحلیل آقای تقوایی و شناخت شان از چهارچوبهای چپ یا قدیمی است و یا آگاهانه مترسک حزب توده سابق را جلوی ما میگذارند. چپ "ضد آمریکائی" لااقل در اپوزیسیون ایران مرده است. بد یا خوب، ضد امپریالیستهای پرو سویت دیروز، امروز پرو غرب و پرو آمریکا

پایه های مادی "انسجام" جدید حزب "کمونیست کارگری" در چهارچوب نگرش پوپولیستی و ناسیونالیستی چپ انسجام دارد و این انسجام را هر روز در قلمرو معینی بنمایش میگذارد. به این معنا باید این اعتبار را به این جریان در مقایسه با نیروهائی که هر روز به سمتی کشیده میشوند داد. انسجام جدید آقای تقوایی هم کاملا سیاسی است. این مسئله دو دلیل مشخص دارد: اول، در تقابل کنونی در خاورمیانه و شمال آفریقا و مشخصا موضوع لیبی و سوریه، حزب ایشان جانبدار نیروهای پرو غربی و سیاست دول غربی است. این حزب عروج مثنی نیروی ارتجاعی القاعده ای و اسلامی و سرهم بندی شده ناتو و غرب را "انقلاب لیبی" و تکرار این داستان در سوریه را "انقلاب سوریه" مینامد. نه کاری به روندی دارد که مردم چگونه از صحنه سیاست قیچی شدند و نه به ماهیت نیروهائی که در حال حاضر میداندار شده اند. این حزب در تقابل کنونی، جانبداری اش از دول غربی و نیروهای مونتلفش را با "علیه هر دو محور بودن" توجیه و تلطیف میکند. مسئله دوم یک دنباله روی پوپولیستی و مبتدل از شعارهای جنبش ناسیونالیسم پرو غرب و جنبش ملی اسلامی در ایران است. همه میدانند که در ایران چه در جریان رویدادهای سال ۸۸ (همان "انقلاب" مورد ادعای حمید تقوایی) موضعگیری علیه سیاستهای دولت روسیه برجسته شد. همینطور در این تظاهراتها بخشا گفته شد

و بالاخره دول غربی و یا بلوک "غرب" امروز پدیده متعین دوران جنگ سرد نیست. همانطور که روسیه و "شرق" بعنوان یک سیستم سیاسی و اداری و اقتصادی معین دوران جنگ سرد وجود خارجی ندارد. این هم روشن است که تقابل و کشمکش جهانی برسر حوزه نفوذ و تعریف درازمدت تر سیمای آتی جهان چند قطبی هنوز باز است. نه موضع یکجانبه "ضد آمریکائی" و نه موضع ناسیونالیستی و پرو اسلامی "ضد چینی و ضد روسی" هیچکدام بنیادهای تعین یافته ای از نظم جهان کنونی را ندارند. این شعارها سیاسی اند و به سیاستهای معینی خدمت میکنند. ضدیت با روسیه و چین در فضای ایران آنهم توسط جنبش ملی اسلامی و یا جنبش ناسیونالیستی و حتی بخشی از حکومتیها، چراغ سبز به آمریکا و سیاستهایش است. همه میدانند در طرح هر شعار و مطالبه با چه کسی سخن میگویند و با چه کسی فاصله میگیرند. آقای تقوایی هم که گاهها درس سیاست به این و آن میدهد، بهتر است تمایلات واقعی و مکنونات قلبی شان را در قالبهای روشن تری بیان کنند. این سیاسی تر است.*

میکنند. اینها هیچکدام سر سوزنی منافع کارگران و مردم آزادیخواه در کشورهای منطقه را نمایندگی نمیکند. واضح است که حکومتهای سرمایه داری همه جا منافع خود را دنبال میکنند. روسیه و چین تا دول اروپائی و آمریکا و متحدین شان همه تلاش دارند منافع آتی و آتی خود را دنبال کنند. کمونیستها نباید نقش سازمان ملل و مبصر نظم کنونی بین المللی را ایفا کنند. اما در سطح مشاهدات صرف هم نباید درک این مسئله سخت باشد که دولت یا دولتهائی که وارد جنگ میشوند با دولت یا دولتهائی که در آن جنگ شرکت ندارند و یا حتی بدلیل منافع شان با جنگ مخالف اند در یک موقعیت قرار ندارند. اما همسان جلوه دادن نقش و جایگاه و عملکرد دو طرف - و در اینجا بقول آقای تقوایی محور روسیه - چین با ائتلاف دول غربی در قبال سوریه - اگر روتوش کردن جانبداری سیاسی از جنگ طلبان نباشد، تخفیف آگاهانه قبح سیاست سرکوبی است که علیه اعتراض برحق مردم بباخواسته در لیبی و سوریه و قیچی کردن آنها از صحنه سیاست توسط یک ائتلاف معین صورت گرفته است. کیسه بوکس ناموجود "ضد آمریکائی گری" چپ سنتی دستکم این خاصیت را دارد که سیاست یکجانبه دیگری را توجیه کرد.



12/02/87 17:09

انتقاد همه جانبه یا پوپولیسم منسجم در حاشیه مواضع حمید تقوایی ...

بدون هیچ تاملی کل حزب در این قالب خود را مستحیل میکند. پوپولیسم نوین این جریان قالبی بسیار ژلاتینی و البته اپورتونیستی در سیاست به این حزب داده است. حزب "کمونیست کارگری" و آقای تقوایی علیه دو قطب ارتجاعی در ماجرای سوریه موضع همه جانبه نگرفته است. برعکس، پوپولیسم مزمن شان در این قلمرو نیز خود را تعریف کرده است. اگر انسجامی وجود دارد همینجاست. با اینحال هنوز نه این انسجام پوپولیستی و نه تقابل با یکجانبه نگری "ضد آمریکائی" چپ سنتی، اصل مسئله و شان نزول سیاست این حزب در قبال روسیه و چین را توضیح نمیدهد. بلکه صدور قطعنامه و اعلام سیاست علیه روسیه و چین بدوا اعلام همراهی با اردوی دیگر یعنی اردوی غرب در تقابل کنونی است. پوشاندن این جهتگیری با طرح فرمال "علیه هر دو قطب افشاگری کردن" در کنار همراهی با و هضم کردن شعارهای ناسیونالیستی و اسلامی علیه روسیه و چین در ایران، منشا واقعی و سیاسی این مواضع آقای تقوایی است.

تا به منافع کارگران و مردم محروم بباخواسته در لیبی و سوریه و ایران و دیگر کشورها علیه حکومتها و صفتبندیهای ارتجاع سیاسی برمیکردد، روسیه و چین و آمریکا و اروپا و اتحادیه عرب و نیروهای متفرقه اسلامی همه در یک صف ایستاده اند و اهداف ارتجاعی خود را دنبال

"نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران"! در قلمرو اقتصادی نیز نقد ناسیونالیستی به "کالاهای وارداتی و بنبول چینی" رایج است.

سیاست آقای تقوایی و حزبشان همواره این بوده که با این تمایلات ناسیونالیستی و ضد روسی و ضد چینی چفت شوند. مهم نیست که این شعارها را چه جریانات و جنبشهای معینی به صحنه سیاست می آورند، مهم اینست که توسط مردم گفته میشود و میشود تحت عنوان "حرف مردم" و "اعتراض مردم" آثرا هضم کرد و تکرار کرد! از تکرار "سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه" تا تکرار "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران" در تظاهرات روز قدس در استکهلم و در کنار نیروهای سلطنت طلب و فاشیست با پرچم اسرائیل، تا شعار علیه روسیه همراه با نیروهای جنبش ملی اسلامی، و تقابل یکجانبه با نیروهای اسلامی در جنگ غزه همراه با ناسیونالیستهای پنتاگون نیست، اینها گوشه های بسیار کوچکی از دنباله روی آگاهانه و پوپولیستی این جریان است. وقتی هم میپرسید این چه شعاری است که یک حزب مدعی کمونیسم تکرار میکند، پاسخ می شنوید که "شعار مردم است و مردم گفته اند!"

این پوپولیسم مزمن برخلاف پوپولیسم قدیم چهارچوب تئوریک روشنی ندارد. مانند بادکنکی است که جهت باد سیاست به هر سو میکشاندش. کافی است کسی مبتکر کاری شود و حول آن جنجالی بپا شود، و از نظر این حزب جالب باشد، بلافاصله و

آزادی، برابری، حکومت کارگری

"آزادی" یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

"برابری"، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی، در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداره جامعه خود - برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود - برابری ای که تنها با درهم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

"حکومت کارگری"، یعنی حکومت طبقاتی کارگران، حکومت استثمار شدگان و تولید کنندگان کل ثروت جامعه بر علیه استثمارگران، حکومت بردگان مزدی امروز و ناجیان فردای جامعه، حکومت کسانی که جامعه، نفس موجودیت و ثروت آن، بر کار و تلاش مدام آنها بنا شده است. انقلاب کارگری باید دولت بورژوازی را به زیر بکشد. مقاومت بورژوازی در برابر انقلاب و بویژه در مقابل اشتراکی شدن وسایل تولید، حتی پس از در هم شکسته شدن قدرت دولتی اش ادامه خواهد یافت. از اینرو تشکیل یک حکومت کارگری که این مقاومت را خنثی کند و فرمان انقلاب را به اجرا در بیاورد، امری حیاتی است. حکومت کارگری نیز، نظیر هر حکومت دیگر، حکومتی مافوق جامعه و طبقات نیست. حکومتی طبقاتی است. اما این حکومت، که به همین اعتبار در تنوری مارکسیسم دیکتاتوری پرولتاریا نامیده شده است، دولت اکثریت استثمار شده جامعه برای دیکته کردن حکم آزادی و برابری انسان ها به طبقات استثمارگر و فائق آمدن بر تلاش ها و توطئه های آنهاست. از نظر شکل، حکومت کارگری یک دولت آزاد است که تصمیم گیری و اعمال اراده مستقیم خود توده وسیع مردم کارگر و زحمتکش در جامعه را سازمان میدهد. حکومت کارگری بنا بر ماهیت خویش حکومتی گذرا است که با تحقق اهداف انقلاب ضرورت وجودی خود را از دست میدهد و زوال پیدا میکند.*

به حزب اتحاد کمونیسم
کارگری کمک کنید!

Bank : Wells Fargo Bank – N. America

Routing Number : 121 000 248

Account Number: 36 48 46 88 52

وقتی کارگر از انقلاب صحبت میکند باید
دقیقا بداند که چه چیز میخواهد و چه چیز
نمیخواهد. ما خواهان انقلاب کارگری
علیه کل سیستم سرمایه داری و کل قدرت
طبقه سرمایه داری هستیم. ما خواهان
انقلاب کمونیستی هستیم که جامعه
موجود را از بنیاد دگرگون میکند!

منصور حکمت

عاملین فقر و فلاکت

فقر بیداد میکند! بیکاری مستاصل میکند! گرسنگی عذاب میدهد! فلاکت تباهی جسمی و روحی میآورد! جامعه با یک فاجعه انسانی مواجه است! میلیونها تن زیر چنگال فقر و فلاکت خورد میشوند! در اینجا ما با قحطی مواجه نیستیم! در اینجا ما با خشکسالی و کمبود منابع طبیعی مواجه نیستیم! در اینجا ما با کمبود نیروی انسانی و متخصص روبرو نیستیم! در اینجا حتی با کمبود منابع مالی روبرو نیستیم!

اما در اینجا ما با رژیمی سر و کار داریم که منفعت و صیانت و ادامه حیات مردم اصلا مسئله اش نیست. اما در اینجا ما با رژیمی سر و کار داریم که اقتصاد جامعه برایش همچون پالان خر است. اما در اینجا ما با رژیمی مواجه هستیم که میلیاردها تومان توسط سرانش هر روز ملا خور میشود و در بانکهای جهانی پس انداز میشود. اما در اینجا ما با رژیمی مواجه هستیم که هر روز میلیاردها تومان صرف هزینه ماشین سرکوبگرش، سپاه، بسیج، سازمان امنیت مخوف و ارتشش میکند و خورک، مسکن و بهداشت و آموزش میلیونها مردم را گروگان گرفته است. اما در اینجا ما بر رژیمی مواجه هستیم که زیر سرنیزه های آن سرمایه داران به وحشیانه ترین وجهی کارگران را استثمار میکنند. با دستمزدهای بسیار پایین، نپرداختن دستمزدها، بیکارسازیهای وسیع، شدت کار غیر انسانی و محیط کار نا امن دمار از روزگار کارگران درمیآوردند. اما در اینجا ما با رژیمی مواجه هستیم که هر اعتراض کارگری را به خاک و خون میکشد و هر تشکل کارگری را با نیروی مسلح درهم میکشد.

پس چه سیستمی و چه کسانی عامل فقر و فلاکت مردم هستند؟ پاسخ روشن است. نظام سرمایه داری و رژیم اسلامی حافظ این نظام.

مرگ بر سرمایه داری، مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!

مرگ بر فقر، زنده باد رفاه!

مرگ بر حکومت فقر، مرگ بر حکومت مفتخواران!

زندگی مرفه، زندگی انسانی حق مسلم ماست!

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۶ اوت ۲۰۱۲

زنده باد شوراها

ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

مصوب دفتر سیاسی حزب

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخساز قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزیر کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بپاخواسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراها، در سراسر جامعه است.

۲- یک هدف شوراها گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراها همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراها را سازمان داد.

۳- شورا کاراترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های مردم است و باید جایگزین قدرت ارتجاع اسلامی شود.

۴- طبقه کارگر باید بسرعت شوراهای خود را ایجاد کند. شوراها امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراها امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراها در محیط زیست و کار باشند.

۵- شوراهای محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراها فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!